



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# فضائل سبعة

صنن و ترجمه

مبداء

تالیف : شیخ صدوق

ترجمه و تحقیق : الطیف راشد، سعید راشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فضائل شیعه

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	فضائل شیعه
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	مقدمه ناشر
۱۶	فهرست مطالب
۱۹	حدیث شماره یکم
۲۴	حدیث شماره دوم
۲۵	حدیث شماره سوم
۲۶	حدیث شماره چهارم
۲۶	حدیث شماره پنجم
۲۷	حدیث شماره ششم
۲۸	حدیث شماره هفتم
۳۰	حدیث شماره هشتم
۳۵	حدیث شماره نهم
۳۶	حدیث شماره دهم
۳۶	حدیث شماره یازدهم
۳۸	حدیث شماره دوازدهم
۳۹	حدیث شماره سیزدهم
۴۰	حدیث شماره چهاردهم
۴۰	حدیث شماره پانزدهم
۴۱	حدیث شماره شانزدهم
۴۱	حدیث شماره هفدهم
۵۲	حدیث شماره هجدهم

- ۶۲ ..... حدیث شماره نوزدهم
- ۶۳ ..... حدیث شماره بیستم
- ۶۴ ..... حدیث شماره بیست و یکم
- ۶۵ ..... حدیث شماره بیست و دوم
- ۶۶ ..... حدیث شماره بیست و سوم
- ۶۹ ..... حدیث شماره بیست و چهارم
- ۷۱ ..... حدیث شماره بیست و پنجم
- ۷۳ ..... حدیث شماره بیست و ششم
- ۷۴ ..... حدیث شماره بیست و هفتم
- ۷۶ ..... حدیث شماره بیست و هشتم
- ۷۸ ..... حدیث شماره بیست و نهم
- ۷۸ ..... حدیث شماره سی ام
- ۸۰ ..... حدیث شماره سی و یکم
- ۸۱ ..... حدیث شماره سی و دوم
- ۸۱ ..... حدیث شماره سی و سوم
- ۸۲ ..... حدیث شماره سی و چهارم
- ۸۲ ..... حدیث شماره سی و پنجم
- ۸۳ ..... حدیث شماره سی و ششم
- ۸۶ ..... حدیث شماره سی و هفتم
- ۸۸ ..... حدیث شماره سی و هشتم
- ۸۸ ..... حدیث شماره سی و نهم
- ۹۰ ..... حدیث شماره چهلم
- ۹۰ ..... حدیث شماره چهل و یکم
- ۹۱ ..... حدیث شماره چهل و دوم
- ۹۲ ..... حدیث شماره چهل و سوم
- ۹۴ ..... حدیث شماره چهل و چهارم

۹۵ ..... حدیث شماره چهل و پنجم

۹۶ ..... درباره مرکز

سرشناسه: ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی: فضائل الشیعه . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: متن کامل و ترجمه کتاب فضائل شیعه/ شیخ صدوق (ره)؛ ترجمه و تحقیق لطیف راشدی، سعید راشدی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۵ ص.

شابک: ۷۰۰۰ ریال؛ ۰۰۰۸ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۸۳۱-۴:

وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ دوم)

یادداشت: فارسی-عربی.

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه.

عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه.

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۴ ق.

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ ق

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: راشدی لطیف ۱۳۳۲ -، مترجم

شناسه افزوده: راشدی، سعید، ۱۳۶۰ -، مترجم

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)



رده بندی کنگره : BP۲۴۸ / الف ۲ ف ۱۴۰۶ ۸۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۲۳۷۲

ص : ۱

**اشاره**

قال رسول الله «العلماء ورثة الانبياء»

پیامبر اعظم فرمودند: عالمان و دانشمندان [دین] وارثان پیامبران هستند.

ص: ۲



سرشناسه : ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : فضائل الشیعه . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : متن کامل و ترجمه کتاب فضائل شیعه / شیخ صدوق (ره) ؛ ترجمه و تحقیق لطیف راشدی ، سعید راشدی .

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۵ ص.

شابک : ۷۰۰۰ ریال ؛ ۰۰۰۸ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۸۳۱-۴:

وضعیت فهرست نویسی : فایا(چاپ دوم)

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه.

عنوان روی جلد : فضائل شیعه متن و ترجمه.

موضوع : احادیث اخلاقی -- قرن ۴ ق.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ ق

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : راشدی لطیف ۱۳۳۲ - ، مترجم

شناسه افزوده : راشدی، سعید، ۱۳۶۰ - ، مترجم

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۴۸ / الف ۲ف ۱۴۰۶ ۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۲۳۷۲

ص: ۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد و الصلاة على محمد عبده المجتبي و رسوله المصطفى، أرسله الى كافة الوري، بشيراً و نذيراً و داعياً الى الله باذنه و سراجاً منيراً و على اهل بيته ائمه الهدى و مصايح الدجى، الذين أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً و السلام على من اتبع الهدى.

و بعد:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «العلماء ورثة الانبياء»:

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «عالمان و دانشمندان [دین وارث پیامبران هستند]». «نهج الفصاحه»

جناب شیخ جلیل القدر مرحوم صدوق قدس سره به حق، یکی از استوانه و پشتوانه های تعالیم اهل بیت علیهم السلام و از مفاخر، ذخایر و پاسداران مکتب انسان ساز تشیع می باشد. او با تلاش خستگی ناپذیر، تألیفات و تصنیفات گرانسنگ بی شماری از خود به میراث گذاشت؛ ایشان به عنوان شخصیتی بزرگ و سترگ مطرح است که مکتب پربار تشیع به وجود این عالم بزرگ و نظایر این بزرگوار به خود می بالد و باید میراث آنان را پاس داشت. از جمله آثار این بزرگ مرد علم و جهاد، چند رساله پُر محتوا به نام های «صفات شیعه»، «فضایل شیعه»، «آیین دوستی» و «اعتقادات شیخ صدوق» می باشد.

یک شخص پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام که خود را شیعه می داند، قطعاً باید بداند که یک فرد شیعه چه فضایلی دارد. با دانستن فضایل شیعه بودن، مقام و ارزش شیعه بودن را درک می کند. کسی که فضایل شیعه را درک نمود، بدون تردید نیاز آشنایی با صفات شیعه

ص: ۵

را پیدا می کند تا به تمام این صفات ارزشمند که منشأ و حیانی دارد، خود را متصف سازد و به عنوان یک شخص شیعه مورد رضایت خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام هویت یابد.

این دو عنوان؛ یعنی «فضایل شیعه» و «صفات شیعه» به صورت ممتاز با متن عربی احادیث همراه با سند و منابع آنها و ترجمه گویا، روان و شیرین در اختیار شما عزیزان می باشد.

ان شاء الله با مطالعه و عمل به مفاد آنها بتوانیم یک شیعه واقعی باشیم و خشنودی پروردگار متعال و اهل بیت علیهم السلام را تحصیل نماییم و مایه رشد و تعالی برای این مذهب شویم.

امیدواریم به زودی شاهد به ثمر رسیدن دو اثر دیگر یعنی «آیین دوستی» و «عقاید شیخ صدوق» باشیم تا با عقاید یک متفکر و اندیشمند که وجود او مایه برکت و مباحثات شیعیان است آشنا شویم و نیز با کتاب «آیین دوستی» با دوستان و خلیلان مورد نظر اهل بیت علیهم السلام آشنا شده و محشور شویم که دوست نقش اساسی در شکل گیری و ساختار شخصیت روحی - معنوی تمام انسان ها دارد.

در پایان از زحمات برادر دانشمند و محب اهل بیت علیهم السلام جناب آقای لطیف راشدی که زحمت ترجمه و تحقیق این اثر گرانسنگ را بر عهده داشته اند قدردانی نموده و امید است در پناه حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» موفق و مؤید باشند.

«ربنا تقبل منا و اجعله ذُخراً و زاداً لآخرتنا انك انت السميع العليم و فعال لما تريد».

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

## فهرست مطالب

۹	حدیث شماره یکم
۱۴	حدیث شماره دوم
۱۵	حدیث شماره سوم
۱۶	حدیث شماره چهارم
۱۶	حدیث شماره پنجم
۱۷	حدیث شماره ششم
۱۸	حدیث شماره هفتم
۲۰	حدیث شماره هشتم
۲۵	حدیث شماره نهم
۲۶	حدیث شماره دهم
۲۶	حدیث شماره یازدهم
۲۸	حدیث شماره دوازدهم
۲۹	حدیث شماره سیزدهم
۳۰	حدیث شماره چهاردهم
۳۰	حدیث شماره پانزدهم
۳۱	حدیث شماره شانزدهم
۳۱	حدیث شماره هفدهم
۴۲	حدیث شماره هجدهم
۵۲	حدیث شماره نوزدهم
۵۳	حدیث شماره بیستم
۵۴	حدیث شماره بیست و یکم
۵۵	حدیث شماره بیست و دوم





«۸»..... فضائل شیعہ

۵۶	..... حدیث شماره بیست و سوم
۵۹	..... حدیث شماره بیست و چهارم
۶۱	..... حدیث شماره بیست و پنجم
۶۳	..... حدیث شماره بیست و ششم
۶۴	..... حدیث شماره بیست و ہفتم
۶۶	..... حدیث شماره بیست و ہشتم
۶۸	..... حدیث شماره بیست و نهم
۶۸	..... حدیث شماره سی ام
۷۰	..... حدیث شماره سی و یکم
۷۱	..... حدیث شماره سی و دوم
۷۱	..... حدیث شماره سی و سوم
۷۲	..... حدیث شماره سی و چہارم
۷۲	..... حدیث شماره سی و پنجم
۷۳	..... حدیث شماره سی و ششم
۷۶	..... حدیث شماره سی و ہفتم
۷۸	..... حدیث شماره سی و ہشتم
۷۸	..... حدیث شماره سی و نهم
۸۰	..... حدیث شماره چہلم
۸۰	..... حدیث شماره چہل و یکم
۸۱	..... حدیث شماره چہل و دوم
۸۲	..... حدیث شماره چہل و سوم
۸۴	..... حدیث شماره چہل و چہارم
۸۵	..... حدیث شماره چہل و پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد وآله الطاهرين

١. قال أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القميّ الفقيه رضي الله عنه:

قال: حدّثنا أبي رضي الله عنه، قال: حدّثنا عبد الله بن الحسين المودّب، عن أحمد بن علي الاصفهاني، عن محمد بن أسلم الطوسي، قال: حدّثنا أبو رجاء [عن حماد بن زيد، عن عبدالرحمان السراج عن نافع، عن ابن عمر قال:

سألنا النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن أبي طالب عليه السلام؟

فغضب صلى الله عليه وآله ثمّ قال: ما بال أقوام يذكرون من منزلته من الله كمنزلتي.

ألا و من أحبّ علياً فقد أحبّني و من أحبّني فقد رضي الله عنه و من رضي الله عنه كافأه الجنّة.

ألا و من أحبّ علياً لا يخرج من الدنيا حتّى يشرب من الكوثر و يأكل من طوبى و يرى مكانه فى الجنّة.

ألا و من أحبّ علياً يقبل الله صلواته و صيامه و قيامه و استجاب له دعاءه.

ألا و من أحبّ علياً استغفرت له الملائكة و فتحت له أبواب الجنّة الثمانية يدخلها من أى باب شاء بغير حساب.

ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله كتابه بيمينه و حاسبه حساب الأنبياء.

ألا و من أحبّ علياً هون الله عليه سكرات الموت و جعل قبره روضه من رياض الجنّة.

ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله بكلّ عرق فى بدنه حوراء و شفّع فى ثمانين من أهل بيته و له بكلّ شعره فى بدنه حوراء و مدينه فى الجنّة.

ألا- و من أحبّ علياً بعث الله اليه ملك الموت كما يبعث الى الأنبياء و دفع الله عنه هول منكر و نكير و بيض وجهه و كان مع حمزه سيد الشهداء.

ألا و من أحبّ علياً أثبت الله فى قلبه الحكمة و أجرى على لسانه الصواب و فتح الله عليه أبواب الرحمة.

ألا و من أحبّ علياً سمى فى السماوات و الأرض أسير الله.

ألا و من أحبّ علياً ناداه ملك من تحت العرش:

يا عبد الله استأنف العمل، فقد غفر الله لك الذنوب كلّها.

ألا و من أحبّ علياً جاء يوم القيامة و وجهه كالقمر ليله البدر.

ألا و من أحبّ علياً وضع على رأسه تاج الملك و البس حله الكرامه.

ألا و من أحبّ علياً جاز على الصراط كالبرق الخاطف.

ألا و من أحبّ علياً كتب له براءة من النار و جواز على الصراط و أمان

العذاب و لم ينشر له ديوان و لم ينصب له ميزان و قيل له: أدخل الجنة بلا حساب.

ألا و من أحب علياً صافحته الملائكة و زارته الأنبياء و قضى الله له كل حاجه.

ألا و من أحب آل محمد أمن من الحساب و الميزان و الصراط.

ألا و من مات على حب آل محمد فأنا كفيله بالجنة مع الأنبياء.

ألا و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة.

قال أبو رجاء: كان حماد بن زيد يفتخر بهذا و يقول هو الأمل. (١)

شيخ صدوق رحمه الله عليه گفت: ابن عمر گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله راجع به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کردیم، حضرت ناراحت شد (٢) و فرمود:

عده ای در مورد علی علیه السلام گفتگو و کنجکاوی می کنند، آنها از این کارشان چه قصد و منظوری دارند؟ جایگاه او نزد خدا، همانند جایگاه من پیش پروردگار است.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست داشته باشد، خدا از او راضی می شود و هر کس خدا از او راضی باشد، بهشت پاداش اوست.

ص: ١١

---

١-١. عنه البحار: ٧/٢٢١ ح ١٣٣ و ج ٣٩/٢٧٧ ح ٥٥ و ص ٢٧٨ و ج ٦٨/١٢٦ بشاره المصطفی: ٤٣، عنه البحار: ٦٨/١٢٤ ح ٥٣.

٢-٢. ظاهراً سوال اعتراض گونه بوده است.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، از دنیا خارج نمی شود، تا اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جای خود را در بهشت ببیند.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، نماز و روزه او مورد قبول است و دعایش مستجاب می گردد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، ملائکه برای او طلب آمرزش و مغفرت می کنند و درب های هشتگانه بهشت بر روی او گشوده می شود، تا از هر دری که می خواهد، بدون حساب وارد شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند در قیامت، نامه اعمالش را به دست راست او خواهد داد و حسابرسی از او، مثل حسابرسی از پیامبران است.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند سكرات و سختی های مرگ را بر او آسان می کند و قبرش را برای او، باغی از باغ های بهشت قرار می دهد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند به تعداد هر رگی که در بدن اوست، حورالعین به او می بخشد و شفاعتش در مورد هشتاد نفر از اقوام و نزدیکانش پذیرفته می شود و به تعداد هر موئی که در بدنش روئیده، حوریه و شهری در بهشت برای او خواهد بود.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند فرشته مرگ را هنگام جان دادن، به صورتی نزد او می فرستد که به نزد پیامبران می فرستد و ترس نکیر و منکر را از او برمی دارد و چهره اش را سفید و نورانی می گرداند و او را با حمزه سیدالشهداء علیه السلام محشور می فرماید.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند حکمت را در دل او ثابت قرار می دهد و زبانش را به درستی و راستی گویا می کند و از لغزش و خطا محافظتش می فرماید و درهای رحمت خود را می گشاید.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، در آسمان و زمین اسیر عشق او نامیده می شود.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشته ها از زیر عرش صدایش می کنند و می گویند: ای بنده خدا! عملت را از نو شروع کن که خداوند تمام گناهان تو را بخشیده است.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، در صحرای محشر، همانند ماه شب چهارده، نورانی وارد می شود.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، تاجی بر سرش گذاشته و لباس های عزت بر وی پوشانیده می شود.

بدانید! هرکس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، همانند برق جهنده از پل صراط می گذرد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، از آتش جهنم در امان خواهد بود و اجازه عبور از صراط به وی داده می شود و برای او حسابرسی نیست و دیوان عمل او را باز نمی کنند و اعمال او را نمی سنجند و به او می گویند که بدون حساب داخل بهشت شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشتگان با او مصافحه می کنند و پیامبران علیهم السلام او را زیارت می نمایند و خداوند متعال آرزوهایش را برآورده می سازد. هر کس خاندان محمدعلیهم السلام را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش اعمال و لغزش از پُل صراط، در امان خواهد بود.

هر کس بر دوستی خاندان محمدعلیهم السلام بمیرد، من ضامن همنشینی او با پیامبران، در بهشت هستم.

دوری کنید از اینکه بر دشمنی خاندان محمدعلیهم السلام بمیرید، چون بوی بهشت را استشمام نخواهید کرد.

ابو رجاء گفت: حماد بن زید به محبت خاندان محمدعلیهم السلام افتخار می کرد و می گفت: اصل قبولی اعمال این است.»

### حدیث شماره دوم

۲. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ [عَنْ بَنِي أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيِّ عَنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ مَحْيَدِ بْنِ الْمُهَلَّبِ الْأَزْدِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدِ الْكَلَابِيِّ،



عن عمرو بن ثابت ، عن جابر، عن أبي جعفر، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: [حَبِّي وَ] حَبَّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالَهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ. (١)

امام سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

دوستی با اهل بیت من، در هفت جایگاه ترسناک برای شما مفید است:

(١) هنگام مرگ (٢) در قبر (٣) موقع برخاستن از قبور (٤) وقت باز شدن پرونده اعمال (٥) در حسابرسی (٦) هنگام سنجش اعمال (٧) عبور از پُلِ صراط.

### حدیث شماره سوم

٣. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ [عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ الشَّعْبِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أثبتكم قدماً على الصراط أشدكم حباً لأهل بيتي. (٢)

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ص: ١٥

---

١-٣. أمالي الصدوق: ٧، الخصال: ٢/٣٦٠ ح ٤٩، عنهما البحار: ٢٧/١٥٨ ح ٣.

٢-٤. عنه البحار: ٨/٦٩ ح ١٦ و ج ٢٧/١٥٨ ح ٥.

هر کس از شما که محبتش به اهل بیت من، بیشتر باشد، قدمش از لغزیدن بر روی پُلِ صراط در امان تر خواهد بود.

### حدیث شماره چهارم

۴. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَحِمَهُ اللَّهُ [عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! مَا ثَبَتَ حُبُّكَ فِي قَلْبِ امْرِئٍ مَوْمِنٍ فَزَلْتُ بِهِ قَدَمَهُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا ثَبَتَ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! محبت تو، در دل هر مومنی که جای گیرد خداوند او را از لغزش روی پل صراط محافظت خواهد کرد و قدم های او را استوار و محکم خواهد نمود و او را به بهشت خواهد برد.

### حدیث شماره پنجم

۵. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِي أَبُو الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِأَبْنِ مَقْبَرِهِ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَصَامِ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ الْكَلَابِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَلِيمَانَ] عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ

ص: ۱۶

---

۱-۵. عنه البحار: ۸/۶۹ ح ۱۷ و ج ۱۷/۱۵۸ ح ۶ و ج ۳۹/۳۰۵ ح ۱۱۹. أمالی الصدوق: ۳۴۸.

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مِنَ الْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ وَغَرِبَتْ.

و من أبغضه في حياته و بعد موته، مات موته جاهليه و حوسب بما عمل. (۱)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس علی علیه السلام را در زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد، تا زمانی که آفتاب طلوع و غروب می کند، خداوند برای او امن و ایمان می نویسد و کسی که با او در زمان زندگی و پس از مرگش دشمنی داشته باشد، به مرگ زمان جاهلیت مُرده و از کوچک ترین کاری که کرده، بازخواست خواهد شد.

### حدیث شماره ششم

۶. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَسَدِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ جَرَادَةَ الْبَرْدَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَقِيَّةُ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ: حَدَّثَنِي أَبِي إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ

ص: ۱۷

---

۱- ۶. علل الشرائع: ۱/۱۴۴ ح ۱۱، عنه البحار: ۲۷/۸۹ ح ۴۰ و ص ۷۶ ح ۷ و عن الامالی: ۴۶۷ ح ۲۷.

علی، عن أبیه امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزول قدم عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربعه أشياء: عن شبابه فيما أبلاه و عن عمره فيما أفناه و عن ماله من أين اكتسبه و فيما أنفقه و عن حبنا أهل البيت. (۱)

بنده در روز قیامت، هر قدمی که بر می دارد از این چهار چیز از او سؤال می کنند: (۱) از جوانیش که در چه راهی به کار برده (۲) از عمرش که در چه کاری تلف نموده (۳) از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا خرج کرده (۴) از محبت ما اهل بیت علیهم السلام.

### حدیث شماره هفتم

۷. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ [عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ الْقَوَارِيرِي، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدَ بْنَ عَمَّارٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ تَوْبَةَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَكَائِي، عَنْ سَلِيمَانَ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِابْلِيسَ: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (۲) فَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ أَعْلَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟

ص: ۱۸

---

۱-۷. أخرجه في البحار: ۷/۲۵۸ ح ۱ عن أمالي الصدوق: ۴۲ ح ۹ و الخصال: ۱/۲۵۳ ح ۱۲۵ و ج ۷۱/۱۸۰ ح ۳۳ عن الامالي. مناقب ابن شهر آشوب: ۲/۴، عنه البحار: ۲۷/۳۱۱ ح ۱، تحف العقول: ۵۶ ح ۱۶۳، عنه البحار: ۷۷/۱۶۰ ح ۱۶۲.

۲-۸. سوره ص: ۷۵.

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا و علي و فاطمه و الحسن و الحسين، كُنَّا فِي سَرَادِقِ الْعَرْشِ نَسِيحُ اللَّهُ وَ تَسِيحُ الْمَلَائِكَةُ بِتَسِيحِنَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ بِالْفَى عَامٍ.

فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ، أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لَهُ وَ لَمْ يَأْمُرْنَا بِالسُّجُودِ فَسَجَدَتِ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهَا إِلَّا ابْلِيسَ فَآتَهُ أَبِي وَ لَمْ يَسْجُدِ.

فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» عَنِ مَنْ هُوَ لِأَخْمَسَةِ الْمَكْتُوبَةِ أَسْمَاوَهُمْ فِي سَرَادِقِ الْعَرْشِ فَنَحْنُ بِأَبِ اللَّهِ الَّذِي يُوْتِي مِنْهُ، بِنَا يَهْتَدِي الْمَهْتَدُونَ فَمَنْ أَحْبَبْنَا أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ وَ مَنْ أَبْغَضْنَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ أَسْكَنَهُ نَارَهُ وَ لَا يَحْبُبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلَدُهُ. (١)

ابوسعيد خدری گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم بودیم، مردی جلو آمد و عرضه داشت: یا رسول خدا! در مورد این فرموده خداوند به ابلیس «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» «تکبر نمودی، یا از برترین ها بودی» به من خبر بده پس عالین چه کسانی هستند که از فرشتگان مقامی بالاتر دارند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دو هزار سال قبل از خلقت آدم و هنگامی که خداوند، آدم را آفرید من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در مقابل عرش پروردگار بودیم

ص: ۱۹

---

۱- ۹. عنه البحار: ۱۱/۱۴۲ ح ۹ و ج ۱۵/۲۱ ح ۳۴ و ج ۲۵/۲ ح ۲ و ج ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۱. تأویل الایات: ۱۸۲ ج ۱، عنه البحار: ۲۶/۳۴۶ ح ۱۹.

و او را تسبیح می گفتیم و فرشتگان به تسبیح ما، تسبیح می گفتند. به فرشتگان دستور داد که آدم را سجده کنند و به ما چنین دستوری نداد. تمام فرشتگان سجده کردند جز ابلیس که این کار را انجام نداد.

سپس خداوند بزرگ فرمود: «أَسَيْتُكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» مقصود از عالین، پنج تن بودند که نام آنها بر سرادق عرش خداوند نوشته شده بود و ما کسانی هستیم که خلائق از طریق ما می توانند به خداوند نزدیک شوند و به وسیله ما هدایت می شوند و کسی که ما را دوست داشته باشد، خداوند او را دوست می دارد و او را در بهشت ساکن می گرداند و کسی که با ما دشمنی داشته باشد، خداوند او را دشمن می دارد و او را در آتش جهنم جای می دهد. و این را بدان که کسی جز حلال زاده ما را دوست ندارد.

### حدیث شماره هشتم

۸. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ [بِاسْنَادٍ يَرْفَعُهُ] قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْرَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خَرَجْتُ أَنَا وَ أَبِي ذَاتِ يَوْمٍ إِلَى الْمَسْجِدِ فَإِذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ، قَالَ: فَدَنَا مِنْهُمْ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ:

أَنْتِي وَ اللَّهُ لَا حَبَّ رِيحِكُمْ وَ أَرْوَاحِكُمْ، فَأَعِينُوا عَلَي ذَلِكِ بَوْرِعِ وَ اجْتِهَادِ. وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَ لَا يَتَنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ، مِنْ أَتَمَّ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ

فليعمل بعملهم، أنتم شيعه الله و أنتم أنصار الله و أنتم السابقون الاولون و السابقون الآخرون و السابقون فى الدنيا الى محبتنا و السابقون فى الآخرة الى الجنة.

ضمنت لكم الجنة بضمان الله عزّ و جلّ و ضمان النبي صلى الله عليه وآله و أنتم الطيبون و نساوكم الطيبات، كلّ مؤمنه حوراء و كلّ مؤمن صدّيق.

كم من مرّه قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر:

أبشروا و بشّروا فوالله لقد مات رسول الله صلى الله عليه وآله و هو ساخط على امته الا الشيعه [ألا و انّ لكلّ شىء عروه و عروه الدين الشيعه].

ألا و انّ لكلّ شىء شرفاً و شرف الدين الشيعه.

ألا و انّ لكلّ شىء سيداً و سيد المجالس مجالس الشيعه.

ألا و انّ لكلّ شىء اماماً و امام الأرض أرض تسكنها الشيعه.

ألا و انّ لكلّ شىء شهوه و انّ شهوه الدنيا سكنى شيعتنا فيها.

و الله لولا- ما فى الأرض منكم ما استكمل أهل خلافكم طيبات [ما لهم] فى الآخرة فيها من نصيب، كلّ ناصب و ان تعيّد و اجتهد منسوب الى هذه الآية «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (١) و من دعا لكم مخالفاً فاجابه دعائه لكم و من طلب منكم الى الله تبارك و تعالى اسمه حاجه، فله مائه [و من سأل منكم مسأله فله مائه].

و من دعا دعوه فله مائه و من عمل حسنه فلا يحصى تضاعفاً و من أساء

ص: ٢١

سيئه فمحمّد رسول الله صلى الله عليه وآله حجّته على تبعته.

والله انّ صائمتكم ليرتع في رياض الجنّه، تدعو له الملائكه بالفوز حتى يفطر و انّ حاجكم و معتمركم لخاصّه الله عزّو جلّ و انّكم جميعاً لأهل دعوه الله و أهل ولايته لا خوف عليكم و لا حزن، كلّكم في الجنّه فتنافسوا في الصالحات.

والله ما أحد أقرب من عرش الله عزّو جلّ بعدنا [يوم القيامة] من شيعتنا، ما أحسن صنع الله اليهم لو لا أن تفشلوا و يشمت بكم عدوّكم و يعظّم الناس ذلك لسلمت عليكم الملائكه قبلاً.

قال أميرالمومنين عليه السلام: يخرج أهل ولايتنا من قبورهم يخاف الناس و هم لا يخافون و يحزن الناس و هم لا يحزنون.

[قال:] و قد حدّثني محمّد بن الحسن بن الوليد رحمه الله بهذا الحديث [باسناده عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام (مثله) إلا أنّ حديثه لم يكن بهذا الطول (و) في هذا زياده ليست في ذلك و المعاني متقاربه. (1)]

روزی من و پدرم به مسجد رفتیم و میان قبر رسول خداصلی الله علیه وآله و منبرش، به عدّه ای از اصحاب او برخورد کردیم. به آنان نزدیک شدیم، پدرم به آنها سلام کرد و فرمود:

ص: ۲۲

---

۱- ۱۱. البحار: ۶۸/۶۵ ح ۱۱۸ عن صفات الشيعه و الصحيح عن فضائل الشيعه. الكافي: ۸/۲۱۳ ح ۲۵۹، عنه البحار: ۶۸/۸۰ ح ۱۴۱. تفسير فرات: ۲۰۸، عنه البحار: ۷/۲۰۳ ح ۹۰. بشاره المصطفى: ۱۶، المستدرک: ۱۱/۲۷۲ ح ۱۶، الوسائل: ۱/۶۶ ذ ح ۱۱، روضه الواعظين: ۳۴۷، مشکاه الانوار: ۹۲، البرهان: ۲/۳۴۷ ح ۳ و ج ۴/۴۵۳ ح ۶، العوالم: ۴۲/۴۳۶ ح ۴.



به خدا قسم! بو و جان های شما را دوست دارم، پس با پرهیزگاری و جهاد با نفس به این محبت و رابطه کمک کنید و بدانید که ولایت و دوستی ما جز با دوری از گناه و پرهیزگاری و تلاش در راه حق، به دست نمی آید. هر کس از عده ای پیروی کند، باید مانند آنها رفتار نماید، شما شیعه و حزب و یاران خدا هستید، پیشی گیرندگان اول و آخرید، در دنیا برای محبت به ما و در آخرت برای وارد شدن به بهشت، سبقت گیرنده هستید.

بهشت را به ضمانت خدا و رسولش برای شما ضمانت کردم، شما و زنانان پاک هستید. هر زن مؤمنی حوری است و هر مرد مؤمنی، راستگو و صدیق می باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به غلامش قنبر فرمود: بر شما بشارت و مژده باد خوشحال باشید که به خدا قسم! رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا درگذشت، در حالی که بر تمامی امتش، جز شیعیان خشمناک و غضبناک بود. بدانید! برای هر چیز شرفی است و شرف دین، شیعه است.

بدانید! برای هر چیزی آقایی و سروری است و سرور مجالس، جایگاه شیعیان می باشد.

بدانید! برای هر چیز رهبری است و رهبر زمین ها، آن زمینی است که شیعه در آن ساکن باشد.

بدانید! برای هر چیز تمایلی است و تمایل به دنیا، خانه ای است که شیعه ما در آن ساکن باشد.

به خدا قسم! اگر کسی از شما بر روی زمین نبود، مخالفین شما ابتداً از خوبی بهره ای نمی بردند؛ آنان در آخرت نصیبی ندارند. هر کس که دشمن ما و شما باشد، اگر در عبادت و انجام اعمال نیک پر تلاش باشد، مشمول این آیه «عَامِلَهُ نَاصِبَهُ تَصْلَى نَاراً حَامِيَةً» «کسانی که پیوسته عمل می کنند و خسته می شوند و در آتش سوزان وارد می گردند.» است.

اگر کسی از مخالفان برای شما دعا کند، دعای او درباره شما به استجابت خواهد رسید و اگر کسی از شما حاجتی بخواهد و یا دعایی کند، صد برابر آن، برای او خواهد بود.

اگر کسی از شما کار نیکی کند، زیادی جزای آن را نمی توان شمرد و اگر کسی از شما کار بدی کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از تبعات و آثار آن، جلوگیری می کند.

به خدا سوگند! روزه دار شما در باغ های بهشت قدم برمی دارد و ملائکه او را به پیروزی و رستگاری مژده می دهند، تا افطار کند. حج کننده و عمره گزارنده شما از خواص در گاه حق به حساب می آید و یقیناً همگی شما از اهل دعوت و ولایت خدا هستید و ترس و اندوهی بر شما نمی باشد، تمام شما در بهشتید، پس در انجام کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید.

به خدا قسم! پس از ما، کسی به پروردگار عالم، نزدیک تر از شما نیست. چقدر خداوند به شما نیکی کرده است، اگر چنین نبود، در کارها عاجز و ناتوان می شدید و دشمنانتان شما را سرزنش می کردند و مردم این را امری بزرگ می پنداشتند. فرشتگان با شما رو به رو می شدند و سلام می کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دوستان ما در حالی از قبرهایشان برانگیخته می شوند که همه مردم ترسان و ناراحتند و آنان ترسی و ناراحتی ای ندارند.

### حدیث شماره نهم

۹. عن أبي ذرّ رضي الله عنه، قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله قد ضرب كتف علي ابن أبي طالب عليه السلام بيده و قال: يا علي من أحبنا فهو العربي و من أبغضنا فهو العج فشيعتنا أهل البيوتات و المعادن و الشرف و من كان مولده صحيحاً. ما على مله إبراهيم عليه السلام إلا نحن و شيعتنا و سائر الناس منها براء، ان الله و ملائكته يهدمون سيئات شيعتنا كما يهدم القدوم البنيان. (۱)

ابوذر رحمه الله گفت: دیدم رسول خداصلی الله علیه و آله بر کتف علی علیه السلام زد و فرمود: یا

ص: ۲۵

---

۱- ۱۲. أمالی الطوسی: ۱۱۹، عنه البحار: ۶۸/۲۳ ح ۴۱، أمالی المفید: ۱۶۹ ح ۴، غایه المرام: ۵۸۸ ح ۱، العوالم: ۴۲/۵۳۹ ح ۷ و ص ۵۸۰ ح ۱.

علی! هر کس ما را دوست داشته باشد، از ما است و هر کس که با ما دشمنی داشته باشد، کافر است. پس شیعیان ما اصیل زاده و با شرافتند و به صورت صحیح به دنیا آمده اند. و کسی جز ما و پیروانمان بر آیین ابراهیم علیه السلام نیست، سایر مردم از این راه دور هستند. خداوند و فرشتگان، بدی های شیعیان ما را از بین می برند، همان طور که تیشه، ساختمان را خراب می کند.

### حدیث شماره دهم

۱۰. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ: قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ يَزِيدَ، عَنْ أَيُّوبَ عَنِ عَطَاءَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دوستی علی علیه السلام، گناهان شیعیان را از بین می برد، همان طور که آتش، هیزم را از بین می برد.

### حدیث شماره یازدهم

۱۱. و بهذا الاسناد، عن مستفاد بن محیی قال: حَدَّثَنَا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ

ص: ۲۶

---

۱-۱۳. عنه البحار: ۲۷/۱۳۶ ح ۱۳۵ و ج ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۱ و ص ۲۵۷ ذ ح ۲۲ عن مناقب ابن شهر آشوب: ۳/۱۲، مقصد الراغب: ۳۱ (مخطوط) العوالم: ۴۲/۱۷۰ ح ۷.

أبان القسطنطين، قال: حدّثنا محمد بن زياد، عن عقبه، عن عامر الجهني، قال:

دخل رسول الله صلى الله عليه وآله المسجد ونحن جلوس و فينا أبو بكر و عمر و عثمان و علي عليه السلام في ناحيه، فجاء النبي صلى الله عليه وآله فجلس الى جانب علي عليه السلام فجعل ينظر يمينا و شمالا.

ثم قال: انّ عن يمين العرش و عن يسار العرش لرجالا على منابر من نور تتلأأ و جوههم نوراً.

قال: فقام أبو بكر و قال: بأبي أنت و أمي يا رسول الله أنا منهم؟

قال له: اجلس.

ثم قام اليه عمر، فقال له مثل ذلك، فقال له: اجلس.

فلما رأى ابن مسعود ما قال لهما النبي صلى الله عليه وآله قام حتى استوى قائماً على قدميه، ثم قال: بأبي أنت و أمي يا رسول الله صفهم لنا، نعرفهم بصفتهم.

قال: فضرب علي منكب علي عليه السلام ثم قال: هذا و شيعته هم الفائزون. (١)

عامر جهني گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وارد مسجد شد و ما نشسته بوديم و ابوبكر، عمر، عثمان و علي عليه السلام نيز در ميان ما بودند. رسول خدا صلى الله عليه وآله نزد علي عليه السلام نشست و به راست و چپ نگاهي كرد و فرمود:

در راست و چپ عرش، مرداني بر منبرهايي از نور هستند كه از صورت آنان نور مي تابد.

ص: ٢٧

---

١-١٤. عنه البحار: ٧/١٧٨ ح ١٥ و ج ٦٨/٦٦ ح ١٢٠ و اثبات الهداه: ٣/٤٤٢ ح ٣٤٥ و العوالم: ٤١/٩٨ ح ١.

ابوبکر برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، ای رسول خدا! من از آنانم؟

فرمود: بنشین.

سپس عمر برخاست و گفته ابوبکر را عرض کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او نیز فرمود: بنشین.

هنگامی که ابن مسعود این جریانات را دید، بلند شد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد؛ اوصاف آنان را برایمان بگو، تا به صفت و نشانی، آنها را بشناسیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر دوش امیرالمؤمنین علیه السلام زد و فرمود: او و شیعیانش رستگارند.

### حدیث شماره دوازدهم

۱۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ، [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَأَعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ (دانت بولایه) امام جائر ظالم لیس من الله عزوجل و ان كانت الرعيه في أعمالها باره تقيه، لا وعفون عن كل رعيه في الاسلام (دانت بولایه) امام عادل من الله عزوجل و ان كانت

ص: ۲۸

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند متعال فرموده است:

«هر رعیتی که به رهبر ظالمی که از طرف غیر من منصوب شده نزدیک شود و او را دوست داشته باشد، اگرچه بسیار با تقوا و نیکوکار باشد، او را عذاب می کنم و هر رعیت مسلمانی که به دوستی امام عادل که از طرف من منصوب شده باشد، نزدیک شود، اگرچه ظالم و بدکردار باشد، او را می بخشم.»

### حدیث شماره سیزدهم

۱۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ [بِاسْنَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ إِثْرِهِ اللَّهُ وَ رَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ عِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ حِسَابَ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حِزْنٌ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

شما شایسته درود و رحمت خدا هستید و از اکرام شدگان حق و شایسته توفیق و در پناه پروردگار و شایسته دعوت خدا و بندگی او

ص: ۲۹

---

۱- ۱۵. ثواب الاعمال: ۲۴۵ ح ۱، عنه البحار: ۲۵/۱۱۰ ح ۱ و ج ۱۷/۱۹۳ ح ۵۱ عن غيبه النعماني: ۶۴ و الكافي: ۱/۳۷۶ ح ۴ و ج ۶۸/۱۴۲ ح ۸۸ عن الاختصاص: ۲۵۴، أعلام الدين ۲۴۷، اثبات الهداه: ۱/۲۳۷ ح ۱۹۳، غايه المرام: ۱۲ ح ۱۱.  
۲- ۱۶. عنه البحار: ۶۸/۱۴۲ ح ۸۹ و العوالم: ۴۲/۴۷۷ ح ۱.

می باشید. حسابرسی و ترس و ناراحتی برای شما نیست.

### حدیث شماره چهاردهم

۱۴. قال أبو حمزه: و سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يقول: رفع القلم عن الشيعة بعصمه الله و ولايته. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

گناهان شیعیان ما نوشته نمی شود، چون خداوند آنان را محافظت می کند و در قلعه ولایت خداوند هستند.

### حدیث شماره پانزدهم

۱۵. قال أبو حمزه: و سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

انى لأعلم قوماً قد غفر الله لهم و رضی عنهم عصمهم و رحمهم و حفظهم من كل سوء و أیدهم و هداهم الى كل رشد و بلغ بهم غاية الامكان.

قيل: من هم يا أبا عبد الله؟ قال: اولئك شيعتنا الأبرار، شيعه على عليه السلام. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«من گروهی را می شناسم که خداوند گناهانشان را بخشیده و از آنان راضی است و آنها را تأیید می کند و به راه راست هدایت

ص: ۳۰

---

۱- ۱۷. عنه البحار ۶۸/۱۴۳ ذ ح ۸۹ و العوالم: ۳۲/۴۸۷ ح ۱.

۲- ۱۸. عنه البحار: ۶۸/۱۴۳ ذ ح ۸۹.



می فرماید و به آنها در حد امکان رسیدگی می کند.

پرسیده شد: یا ابا عبدالله! آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: شیعیان نیکوکار و پیروان علی علیه السلام هستند.

### حدیث شماره شانزدهم

۱۶. و قال أبو عبدالله عليه السلام: نحن الشهداء على شيعتنا و شيعتنا شهداء على الناس و بشهادة شيعتنا يجوزون و يعاقبون. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

ما شاهد بر شیعیان خود هستیم و شیعیان ما، شاهد بر مردم می باشند و مردم به وسیله شهادت شیعیان به پاداش و عقاب می رسند.

### حدیث شماره هفدهم

۱۷. أبي رحمه الله قال: حدّثني سعد بن عبدالله، (باسناد يرفعه) عن أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على ان الله وهبك حبّ المساكين والمستضعفين في الأرض، فرضيت بهم اخواناً و رضوا بك اماماً.

فطوبى لمن أحبّك و صدّق عليك و ويل لمن أبغضك و كذب عليك.

ص: ۳۱

---

۱- ۱۹. عنه البحار: ۷/۳۲۵ ح ۱۹ و ج ۶۸/۱۴۳ ذ ح ۸۹ و العوالم: ۴۱/۱۳۴ ح ۲.

يا على أنت العالم بهذه الامة، من أحبك فاز و من أبغضك هلك.

يا على أنا المدينة و أنت بابها و هل توتى المدينة إلا من بابها؟

يا على أهل مودتك كل أوّاب حفيظ و كلّ ذى طمر لو أقسم على الله لبرقسه.

يا على اخوانك كل طاهر و زكى مجتهد يحبّ فيك و يبغض فيك، محتقر عند الخلق، عظيم المنزله عند الله.

يا على محبوبك جيران الله فى دار الفردوس، لا يتأسفون على ماخلفوا من الدنيا.

يا على أنا ولى لمن واليت و أنا عدو لمن عاديت.

يا على من أحبك فقد أحبني و من أبغضك فقد أبغضني.

يا على اخوانك الذبل الشفاه، تعرف الرهبانيه فى وجوههم.

يا على اخوانك يفرحون فى ثلاثه مواطن: عند خروج أنفسهم و أنا شاهدهم و أنت و عند المساءله فى قبورهم و عند العرض و

عند الصراط، اذا سئل سائر الخلق عن ايمانهم فلم يجيبوا.

يا على حربك حربى و سلمك سلمى و حربى حرب الله، من سالمك فقد سالم الله عزّوجلّ.

يا على بشر اخوانك بانّ الله قد رضى عنهم اذ رضىك لهم قائداً و رضوا بك ولياً.

يا على أنت أمير المؤمنين و قائد الغر المحجلين.

يا على شيعتك المنتجبون و لو لا أنت و شيعتك ما قام لله دين و لو لا من في الارض منكم لما أنزلت السماء قطرها.

يا على لك كنز في الجنّه و أنت ذو قرنيها و شيعتك تعرف بحزب الله.

يا على أنت و شيعتك القائمون بالقسط و خيره الله من خلقه.

يا على أنا أول من يفيض التراب من رأسه و أنت معي، ثم سائر الخلق.

يا على أنت و شيعتك على الحوض تسقون من أحببتهم و تمنعون من كرهتم و أنتم الآمنون يوم الفرع الأ-كبر في ظلّ العرش، يفرع الناس و لا- تفرعون و يحزن الناس و لا- تحزنون، فيكم نزلت هذه الآية «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَلَقَّيَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»(١).

يا على أنت و شيعتك تطلبون في الموقف و أنتم في الجنان تتنعمون.

يا على أنّ الملائكة و الخزّان يشتاقون اليكم و أنّ حملة العرش و الملائكة المقرّبون ليخصّونكم بالدعاء و يسألون الله بمحبّتكم و يفرحون لمن قدم عليهم منهم كما يفرح الأهل بالغياب القادم بعد طول الغيبه.

يا على شيعتك الذين يخافون الله في السرّ و ينصحونه في العلانيه.

يا على شيعتك الذين يتنافسون في الدرجات، لأنّهم يلقون الله و ما عليهم من ذنب.

ص: ٣٣

يا على ان أعمال شيعتك تعرض على كل يوم جمعه، فأفرح بصالح ما يبلغني من أعمالهم و أستغفر لسيئاتهم.

يا على ذكرك في التوراه و ذكر شيعتك قبل أن يخلقوا بكل خير و كذلك في الانجيل [فاسأل أهل الانجيل و أهل الكتاب يخبروك عن «اليا» مع علمك بالتوراه و الانجيل و ما أعطاك الله عزوجل من علم الكتاب و ان أهل الأنجيل ليتعاضمون إليا و ما يعرفون شيعته و أنما يعرفونهم بما يجدونه في كتبهم.

يا على ان أصحابك ذكرهم في السماء أعظم من ذكر أهل الأرض لهم بالخير فليفرحوا بذلك و ليزدادوا اجتهاداً.

يا على أرواح شيعتك تصعد الى السماء في رقاهم، فتنظر الملائكه اليها كما ينظر الناس الى الهلال شوقاً اليهم و لما يرون من منزلتهم عند الله عزوجل.

يا على قل لأصحابك العارفين بك يتزهون عن الأعمال التي تعرفها عدوهم فما من يوم و لا ليله إلا و رحمه الله تغشاهم، فليجتنبوا الدنس.

يا على اشتد غضب الله على من قلاهم و برئ منك و منهم و استبدل بك و بهم و مال الى عدوك و تركك و شيعتك و اختار الضلال و نصب الحرب لك و لشيعتك و أبغضنا أهل البيت و أبغض من والاك و نصرك و اختارك و بذل مهجته و ماله فينا.

يا على اقرئهم منى السلام من لم أر و لم يرني و اعلمهم أنهم اخواني

الذين أشتاق اليهم فليلقوا علمى الى من يبلغ القرون من بعدى و ليمسكوا بحبل الله و ليعتصموا به و ليجتهدوا فى العمل، فأننا لا نخرجهم من هدى الى ضلاله.

و أخبرهم أن الله عنهم راض و أنه يباهى بهم ملائكته و ينظر اليهم فى كل جمعه برحمته و يامر الملائكة أن يستغفروا لهم.

يا على لا ترغب عن نصره قوم يبلغهم أو يسمعون أنى أحبك فأحبوك لحبى اياك و دانوا الله عزوجلّ بذلك و أعطوك صفو الموده من قلوبهم و اختاروك على الآباء و الاخوه و الأولاد و سلكوا طريقك و قد حملوا على المكاره فىنا فأبوا الا نصرنا و بذلوا المهج فىنا مع الأذى و سوء القول و ما يقاسونه من مضاضه ذلك فكن بهم رحيماً و اقنع بهم، فإن الله اختارهم بعلمه لنا من بين الخلق و خلقهم من طينتنا و استودهم سرنا و ألزم قلوبهم معرفه حقنا و شرح صدورهم و جعلهم متمسكين بحبلنا، لا يوثرون علينا من خالفنا مع ما يزول من الدنيا عنهم و ميل الشيطان بالمكاره عليهم أيدهم الله و سلك بهم طريق الهدى فاعتصموا به و الناس فى غمره الضلاله متحIRON فى الأهواء، عموا عن الحجه و ما جاء من عند الله، فهم يمسون و يصبجون فى سخط الله و شيعتك على منهاج الحقّ والاستقامه لا يستأنسون الى من خالفهم ليست الدنيا منهم و ليسوا منها.

«اولئك مصاييح الدجى، اولئك مصاييح الدجى، اولئك مصاييح الدجى».(1)

ص: ٣٥

---

١- ٢١. عنه البحار: ٣٩/٣٠٦ ح ١٢٢ و اثبات الهداه: ٣/٤٤٢ ح ٣٤٦ و فى البحار: ٦٨/٤٥ ح ٩١ عن بشاره المصطفى: ٢٢١. أمالى الصدوق: ٤٥٠ ح ٢ عنه البحار: ٨/٢٨ ح ٣٢. تأويل الايات: ١/٣٣١ ح ١٨. مصباح الانوار: ١٦٤ و ص ٢٠١. العوالم: ٤٢/٢٥٨ ح ١ و ص ٥٠٣ ح ٣ و ص ٥٩٤ ح ٣.

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! خداوند دوستی بیچارگان و مستضعفین را به تو بخشید و تو به برادری با آنها راضی شدی و آنان نیز به اینکه تو رهبر آنان باشی، راضی شدند. خوشا به حال کسی است که تو را دوست داشته باشد و تصدیق نماید و بیچاره کسی که دشمن تو باشد و تو را تکذیب نماید.

ای علی! تو دانشمند این امت هستی هر کس تو را دوست داشته باشد، رستگار می شود و هر کس که دشمن تو باشد، هلاک می گردد.

ای علی! من شهر هستم و تو درب آن می باشی و آیا جز از درب، می توان وارد شهر شد؟

ای علی! محبت تو به درگاه خداوند، بسیار توبه کننده اند و بر آن مواظبت می کنند و صاحب لباس کهنه اند که اگر خدا را برای چیزی سوگند دهند، قبول می شود.

ای علی! برادران تو از گناه پاک هستند و گرسنه و پرتلاش می باشند، دوستی شان برای تو و دشمنی آنها در راه تو می باشد. نزد مردم کوچکند و نزد خدا دارای مرتبه ای بلند می باشند.

ص: ۳۶

ای علی! دوستان تو در فردوس، همسایگان خدایند و به خاطر از دست دادن متاع دنیا، غمگین نمی شوند.

ای علی! من دوست کسی هستم که با تو دوست است و دشمن کسی هستم که با تو دشمن است.

ای علی! هرکس تو را دوست داشته، مرا دوست داشته و هرکس با تو دشمن باشد، با من دشمن است.

ای علی! برادران تو کسانی هستند که از زیادی ریاضت و روزه داری لب هایشان چروک خورده و ترک دنیا در چهره آنان دیده می شود.

ای علی! برادران تو در سه جا شاد و خوشحال می شوند: (۱) هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنان می باشیم. (۲) موقع سوال و جواب قبر و عرضه اعمال (۳) هنگام گذشتن از پل صراط؛ همان زمانی که از ایمان مردم سوال می کنند و پاسخی نمی دهند.

ای علی! جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من جنگ با خدا می باشد. کسی که با تو در حال صلح است، با خدا صلح کرده است.

ای علی! به برادران مژده و بشارت بده که پروردگار از آنان خوشنود است، چون رهبری تو را برای آنها پسندید و آنها نیز به رهبری و دوستی تو رضایت داده اند.

ای علی! تو امیر مؤمنان و پیشوای و سفیران هستی!

ای علی! شیعه تو نجیب است. و اگر تو و شیعیانت نبودید، دین خدا بر پا نمی شد و از آسمان قطره ای بر زمین فرو نمی ریخت.

ای علی! در بهشت برای تو گنجی است و تو ذوالقرنین این امت هستی. پیروان تو حزب الله هستند.

ای علی! تو و شیعیانت قیام کنندگان برای عدالت و برگزیده الهی می باشید.

ای علی! من و تو اولین افرادی هستیم که از خاک بر می خیزیم و بعد از ما، سایر مردم از قبرها خارج خواهند شد.

ای علی! تو و شیعیانت دوستان خود را از حوض کوثر، سیراب می کنید و دشمنان خویش را منع می نمایید. در روز قیامت در سایه عرش خداوند در امانید، در حالی که تمام مردم در ناله، ترس و ناراحتی اند و شما از ناراحتی دور هستید.

این آیه در مورد شما نازل شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ، لَا يَخْلَعُونَ حَسِيسًا بِهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ، لَا يَحْزَنُهُمُ الْفُرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

«کسانی که به توفیق ما، در نیکی ها سبقت گرفتند و از آن (دوزخ) دور هستند و صدای آن را نمی شنوند و از آنچه دلشان بخواهد، جاودانه منتعم



هستند. وحشت روز قیامت اندوهگین شان نسازد و فرشتگان به استقبال شان می آیند و بشارت دهند که این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.»

ای علی! در توقفگاه های قیامت به دنبال تو و شیعیانت هستند و حال آنکه شما در بهشت به نعمت های پروردگار خویش مشغولید.

ای علی! ملائکه و کلید داران بهشت مشتاق شما هستند و حاملان عرش و ملائکه مقرب الهی دعایشان را به شما اختصاص می دهند و از خداوند محبت شما را می خواهند و همچون خانواده ای که از آمدن عضوی از آنها که در غیبت و سفر طولانی بود، خوشحال می شوند، فرشتگان نیز از ورود شیعیان مسرور می گردند.

ای علی! شیعیانت در خفا از خدا می ترسند و در آشکارا بنده مطیع خدایند و مردم را به فرمانبری از حق، نصیحت می کنند.

ای علی! شیعیانت برای کسب درجات عالی از یکدیگر سبقت می گیرند، تا خدا را در روز قیامت، بدون گناه دیدار کنند.

ای علی! در هر جمعه، اعمال شیعیانت را به من نشان می دهند، بر اعمال نیک آنان، خوشحال می شوم و برای گناهانشان طلب آمرزش و مغفرت می کنم.

ای علی! در تورات، تو و شیعیانت به نیکی یاد شده اید، پیش از آنکه شیعیانت آفریده شده باشند و در انجیل هم تو را بزرگ

می شمارند، در حالی که شیعیان را به اندازه ای که در کتاب هایشان نوشته شده، می شناسند.

ای علی! شیعیان را در آسمان، نیکوتر از زمین یاد می کنند. پس باید بر این نعمت خوشحالی کنند و به خاطر آن، هر لحظه تلاش خود را در بندگی پروردگار زیادتیر نمایند.

ای علی! ارواح شیعیان در خواب، به سوی آسمان بالا می روند و فرشتگان مانند کسی که هلال را می بیند، با شوق آنان را می بینند، به خاطر مقام و منزلتی که نزد خدا دارند.

ای علی! به یاران عارف خود بگو، از اعمال مخلوط به گناه که از دشمنان گرفته اند، دوری کنند و هر روز و شب رحمتی نو از طرف خداوند آنان را در بر می گیرد، پس تا می توانند از گناهان دوری کنند.

ای علی! خداوند خشم شدیدی گرفت، بر کسانی که در برابر تو و شیعیان دشمنی کردند و از تو و آنان دوری جستند و کسانی که به جای تو و شیعیان افراد دیگر را برگزیده اند و به سوی دشمن تو روی آورده اند و تو و شیعیان را ترک نموده و گمراهی را اختیار کرده اند و با تو و شیعیان جنگ نموده اند. و نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستان و کسانی که تو را یاری کرده و خون و جان و مال خود را در راه ما ریختند و ما را بر دیگران برگزیدند، دشمنی داشتند.

ای علی! سلام مرا به آن دسته از پیروانی که من آنها را ندیده ام

و آنان هم مرا دیدار نکرده اند، برسان و بشارت ده که آنها، برادران من هستند و برای دیدار آنان مشتاق هستم. پس باید علم مرا به قرون بعد نیز برسانند و به ریسمان الهی چنگ بزنند و همراه آن باشند و در عمل کوشا باشند و بدانند که ما، آنها را از هدایت به گمراهی نمی کشانیم و به آنها خبر بده که پروردگارشان از آنها راضی است و به وجودشان بر فرشتگان خویش افتخار می کند و در هر جمعه به وسیله رحمت مخصوص خویش آنها را سرافراز می نماید و به ملائکه امر می نماید که برای آنها آموزش بخواهند.

ای علی! از یاری رساندن به کسانی که شنیده اند من تو را دوست دارم و تو را به خاطر من دوست دارند و به این وسیله به خدا نزدیکی می جویند، دست مکش، آنها کسانی هستند که بهترین محبت های خالصانه را به تو تسلیم کرده اند و تو را بر پدران و فرزندان خود برتری داده و راه تو را انتخاب نموده اند و همه ناراحتی ها و گفتارهای تلخ نیش دار و درد ناکی که در راه دوستی با ما تحمیل می کنند، را بر خود هموار کرده اند. پس برای آنها دلسوز باش و فقط با آنها دوستی کن؛ چون خداوند متعال به وسیله دانایی اش، آنها را از سایر مردم برای ما انتخاب کرده و آنان را از طینت ما آفریده و سرّ ربوبیت، عبودیت، ولایت و محبت را در دل ایشان جای داده و قلوب آنها را همراه معرفت حق ما کرده و دل هایشان را فراخ و گسترش داده و شرح صدر

به آنان عطا فرموده و از چنگ زندگان به ریسمان ولایت ما قرارشان داده است. آنها مخالف ما را بر ما بر نمی‌گزینند، حتی اگر دنیای آنها در معرض خطر قرار گیرد و حاکم بر عذاب کردنشان مداومت ورزد. خداوند دست‌های آنان را در دست هم می‌گذارد و بین آنها الفت برقرار می‌کند. راه هدایت را در پیش پای آنها می‌گذارد تا خود را از گمراهی حفظ کنند، در حالی که سایر مردم در گمراهی و خواهش نفسانی گیج مانده و راه چپ و راست خود را نمی‌شناسند و از دیدن حجت و نشانی پروردگار و آنچه از نزد او آمده محروم‌اند و با خشم خداوند، صبح را شام می‌کنند ولی شیعیان تو در راه حق صحیح‌اند، با کسانی که در راه مخالف آنها هستند، انس نمی‌گیرند. دنیا از آنان نیست و آنان هم از دنیا نیستند.

آنها چراغ‌های رفع تاریکی هستند.

### حدیث شماره هجدهم

۱۸. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَادُ بْنُ سَلِيمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ سَلِيمَانَ الدِّيَلَمِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو بَصِيرٍ وَ قَدْ حَضَرَهُ النَّفْسُ، فَلَمَّا أَنْ أَخَذَ مَجْلِسَهُ قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يا أبا محمد ما هذا النفس العالی؟ قال: جعلت فداك یا بن رسول الله کبر

سنى و دقّ عظمى و اقترب أجلى مع ما أنى لا أدرى على ما أرد عليه فى آخرتى؟

فقال له أبو عبدالله عليه السلام: يا أبا محمد و أنك لتقول هذا!

قال: قلت: جعلت فداك فكيف لا أقول؟

قال: يا أبا محمد أما علمت أنّ الله تبارك و تعالى يكرم الشباب منكم و يستحى من الكهول؟

قال الله يكرم الشباب منكم ان يعذبهم و من الكهول ان يحاسبهم.

قال: قلت: جعلت فداك هذا لنا خاصّ أم لأهل التوحيد؟

قال: فقال: لا و الله إلا لكم خاصّه دون العامّه.

(و فى الخبر) أنّ الله تعالى يقول: شيب المؤمنين نورى و أنا أستحى أن احرق نورى بنارى و قد قيل: الشيب حليه العقل و سمه الوقار.

قال: قلت: جعلت فداك فأنّا قدرمينا بشىء انكسرت له ظهورنا و ماتت له أفئدتنا و استحلّت به الولاه دماءنا فى حديث رواه لهم فقهاؤهم.

قال: فقال أبو عبدالله عليه السلام: الراضه؟ قال: قلت: نعم.

قال: لا و الله ما هم سمّوكم به، بل إنّ الله سمّاكم به، أما علمت يا أبا محمد أنّ سبعين رجلا من بنى اسرائيل رفضوا فرعون [و قومه اذ استبان لهم ضلالهم فلحقوا بموسى عليه السلام لَمّا استبان لهم هداه، فسَمّوا فى عسكر موسى الراضه، لأنّهم رفضوا فرعون و كانوا أشدّ [أهل ذلك العسكر عباده و أشدّهم حبّاً لموسى و هارون و ذريتهما.

فأوحى الله عزّو جلّ الى موسى أن أثبت لهم هذا الاسم فى التوراه فانى قدسميتهم به و نحلتهم اياه، فأثبت موسى عليه السلام الاسم لهم، ثم ادخر الله عزّو جلّ لكم هذا الاسم حتى نحلكموه.

يا أبا محمّد رفضوا الخير و رفضتم الشرّ بالخير.

تفرّق الناس كلّ فرقه و تشعبوا كل شعبه، فانشعبتم مع أهل بيت نبيكم محمّد صلى الله عليه وآله فذهبتهم حيث ذهب الله و اخترتم من اختار الله و أردتم من أراد الله.

فابشروا ثم ابشروا فأنتم و الله المرحومون المتقبّل من محسنكم و المتجاوز عن مسيئكم، من لم يأت الله عزّو جلّ بما أنتم عليه [يوم القيامة] لم يتقبّل منه حسنه و لم يتجاوز عنه سيئه.

يا أبا محمّد [فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدنى.

قال: فقال: يا أبا محمّد] انّ لله عزّو جلّ ملائكه تسقط الذنوب عن ظهور شيعتنا كما تسقط الريح الورق عن الشجر فى أوان سقوطه و ذلك قول الله عزّو جلّ: «وَالْمَلَائِكَةُ يَسْبِحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ» (١).

فاستغفارهم و الله لكم دون هذا الخلق، يا أبا محمّد فهل سررتك؟

قال: قلت: جعلت فداك زدنى.

قال: يا أبا محمّد ما استثنى الله أحداً من أوصياء الأنبياء و لا أتباعهم ما

ص: ٤٤

خلا أمير المؤمنين عليه السلام و شيعته فقال فى كتابه و قوله الحق: «يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (١)

يعنى بذلك علياً و شيعته، يا أبا محمّد فهل سررتك؟

قال: قلت: جعلت فداك زدنى.

قال: لقد ذكركم الله فى كتابه اذ يقول: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ اسْتَرْفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (٢) و الله ما أراد بهذا غيركم.

يا أبا محمّد فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدنى.

قال: يا أبا محمّد لقد ذكركم الله فى كتابه فقال: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (٣) و الله ما أراد بهذا إلا الأئمة عليهم السلام و شيعتهم.

يا أبا محمّد فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدنى. قال:

[ يا أبا محمّد لقد ] ذكركم الله فى كتابه فقال: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً» (٤) و رسول الله صلى الله عليه وآله فى هذه الآية من النبيين و نحن فى هذا الموضع الصديقون و الشهداء و أنتم الصالحون، فتسموا بالصلاح كما سماكم الله عزّوجل.

ص: ٤٥

١-٢٣. سورة الدخان: ٤١ - ٤٢.

٢-٢٤. سورة الزمر، ٥٣.

٣-٢٥. سورة الحجر: ٤٢.

٤-٢٦. سورة النساء: ٦٩.

يا أبا محمّد، فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدني. قال: يا أبا محمّد لقد ذكركم الله إذ حكى عن عدوكم و هو في النار إذ يقول: «وَقَالُوا مَا لَنَا لَأ نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيَا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (١)

ما عنى و لا أراد بهذا غيركم، إذ صرتم فى هذا العالم شرار الناس فأنتم و الله فى الجنة تحبرون و أنتم فى النار تطلبون.

يا أبا محمّد، فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدني. قال: يا أبا محمّد ما من آيه نزلت تقود الى الجنة و تذكر أهلها بخير الآ و هى فينا و فى شيعتنا و ما من آيه نزلت تذكر أهلها بسوء و تسوق الى النار، الآ و هى فى عدونا و من خالفنا.

[فهل سررتك يا أبا محمّد؟] قال: قلت: جعلت فداك زدني.

فقال: يا أبا محمّد ليس على مله ابراهيم صلى الله عليه وآله نحن و شيعتنا و سائر الناس من ذلك براء، يا أبا محمّد فهل سررتك؟ (٢)

سليمان ديلمى گفت: نزد امام صادق عليه السلام بوديم که ابوبصير نفس زنان وارد شد و هنگامى که نشست، امام صادق عليه السلام به او فرمود:

این چه حالى است که داری؟

ص: ٤٦

١- ٢٧. سوره ص: ٦٣-٦٢.

٢- ٢٨. عنه البحار: ٧/١٧٩ ح ٧ (قطعه) و عنه البحار: ٦٨/٥٢ ح ٩٣ و عن الكافي: ٨/٣٣ ح ٦ و الاختصاص: ١٠١. تأويل الايات: ٢/٥٠٧ ح ٨ و ٩ (قطعه)، عنه البحار: ٢٤/٢٥٩ ح ٩. و أخرجه فى البحار: ٤٧/٣٩٠ ح ١١٤ عن الاختصاص.



عرض کرد: ای پسر پیامبر! سنّ من زیاد شده و مغز استخوانم آب شده و مرگم نزدیک گشته، در حالی که نمی دانم در آخرت چه اوضاعی خواهم داشت.

فرمود: ای ابا محمّد! تو هم چنین می گویی؟

عرض کرد: فدایت شوم، چرا نگوییم!

فرمود: ای ابا محمّد! آیا نمی دانی خداوند متعال جوانان شما را گرامی داشته از اینکه عذاب کند و به پیران شما لطف نموده که از آنها حسابرسی نماید.

عرض کرد: فدایت شوم! آیا این تفضّل مخصوص ماست، یا برای تمام اهل توحید نیز می باشد؟

فرمود: نه، این فقط برای شما است، نه برای دیگران. خداوند متعال می فرماید: سفیدی مو در مؤمنین، نور من است و من شرم دارم از اینکه نورم را به وسیله آتشم بسوزانم؛ و گفته اند سفیدی مو، زینت عقل و نشانه وقار است.

عرض کرد: فدایت شوم؛ به خاطر حدیثی که فقها برایشان روایت کرده اند، ما مورد حمله قرار گرفته ایم، که پشتمان را شکسته و باعث دل مردگی ما شده است و حاکمان، خون ما را حلال دانسته اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رافضه؟

عرض کرد: بلی.

فرمود: به خدا قسم! آنها، این نام را بر روی شما نگذاشته اند، بلکه پروردگار شما را به این نام نامیده است. مگر نمی دانی که گمراهی فرعون برای هفتاد مرد از بنی اسرائیل آشکار شد و او را رها کردند و به حضرت موسی علیه السلام پیوستند، موقعی که هدایت او بر آنان آشکار شد، در لشکر موسی علیه السلام به رافضه مشهور شدند، چون فرعون را رها کردند و این عده در بندگی خدا و محبت به موسی علیه السلام و هارون و فرزندانش مصرترین مردم بودند. خداوند برای موسی وحی فرستاد که این اسم را در تورات برای آنها ثبت کن که من، این نام را برای آنها قرار دادم. پس موسی علیه السلام این اسم را برای آنها ثبت کرد، سپس خداوند بزرگ این اسم را ذخیره کرد تا به شما عنایت فرماید.

ای ابا محمّد! آنها ترک خیر کردند و شما به خاطر خیر، ترک شر نمودید. در حالی که مردم متفرّق شدند، شما به اهل بیت پیامبران پیوستید و در راهی که به خدا منتهی می شود، گام برداشتید و کسی را که خداوند انتخاب کرده، انتخاب کردید. و آنچه را که خدا اراده کرده اراده کردید پس بشارت باد شما را که مورد رحمت و عنایت پروردگارید. اعمال نیکوی شما قبول می شود و اعمال بد شما آمرزیده می گردد. هر کس از راهی که شما به سوی خدا می روید، نرود، اعمال نیکش پذیرفته نمی گردد و گناهانش بخشیده نمی شود.

ای ابا محمّد! خداوند ملائکه ای دارد که گناهان شیعیان را

می ریزند، همان طور که باد، برگ درختان را می ریزد و این مصداق فرمایش خداوند در قرآن مجید است که می فرماید:

«وَالْمَلَائِكَةُ يَسْبُحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (۱)، «و فرشتگان پروردگارشان را تسبیح می کنند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می خواهند.»

استغفار آنان فقط برای شما است، نه برای دیگر مردمان.

ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: ای ابا محمد! خداوند هیچ یک از جانشینان پیامبران را استثنا قرار نداده، مگر امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او را و در قرآن فرموده:

«يَوْمَ لَمَّا يَغْنَبُ مَوْلَى عَن مَّوْلَى شَيْئاً وَ لَأُحْمَ يُنصِرُونَ الْأَمَنَ رَحِمَ اللَّهُ» (۲)، «روزی که هیچ دوستی، کمترین کمکی به دوستش نمی کند و از هیچ سویاری نمی شوند مگر کسی که خدا او را مورد مرحمت قرار داده.»

مقصود این آیه، علی علیه السلام و شیعیانش هستند.

ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند شما را در این آیه شریفه یاد کرده:

ص: ۴۹

---

۱- ۲۹. سوره المومن: ۷.

۲- ۳۰. سوره دخان: ۴۱.

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۱)؛ «ای بندگانی که بر نفس های خود ظلم کرده اید، از رحمت خدا نا امید نشوید. خداوند گناهان همه را می بخشد، او خدای آمرزنده بخشایشگر است.»

ای ابامحمد! خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند در قرآن شما را این گونه یاد نموده:

«إِنَّ عِبَادِيَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (۲)؛ «تو (شیطان) هرگز سُلطه ای بر بندگان من نخواهی یافت.»

به خدا قسم که جزائمه علیهم السلام و پیروانشان کسی دیگر منظور نیست.

ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند در قرآن، شما را یاد کرد و فرمود:

«فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (۳)؛ «آنها همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان و آنان رفیقان خوبی هستند.»

ص: ۵۰

---

۱- ۳۱. سوره زمر: ۵۲.

۲- ۳۲. سوره حجر: ۴۲.

۳- ۳۳. سوره نساء: ۶۹.

در این آیه رسول خداصلی الله علیه وآله از انبیا است و ما از صدیقین و شهدا هستیم و شما از صالحین هستید و به صلاح و نیکی نام گذاری می شوید، همان طور که خداوند شما را نامیده است.

ای ابا محمّد! آیا مسرور شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: هنگامی که خداوند از دشمن شما حکایت می کند که در آتش است، شما را یاد کرده است:

«وَقَالُوا مَآ لَنَا لَا نَرَىٰ رَجَالًا كُنَّا نَعْبُدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ، أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (۱)؛ «چه شده مردانی را که از اشرارشان می شمردیم و آنها را به مسخره می گرفتیم، نمی بینیم (در دوزخ نیستند) یا چشمان ما بر آنها نمی افتد.»

منظور در این آیه کسی غیر از شما نیست؛ چون در این دنیا در نظر مردم بدترین مردمان بودید، در حالی که در بهشت غرق در نعمت های خداوند هستید و شما را در دوزخ جستجو می کنند.

ای ابا محمّد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

ای ابا محمّد! آیه ای پیرامون بهشت و اهل آن نازل نشده، مگر آنکه درباره ما و پیروان ما است و آیه ای پیرامون جهنم نازل نشده،

ص: ۵۱

مگر اینکه درباره دشمن ما و کسی که مخالف ما است، نازل شده است.

عرض کرد: فدایت شوم! زیادت بر فرما.

سپس فرمود: ای ابا محمد! بر دین و مذهب حنیف ابراهیم علیه السلام جز ما و شیعیان ما کسی نیست و سایر مردم از این راه بدورند.

ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: کافی است.

### حدیث شماره نوزدهم

۱۹. **أبی رحمہ اللہ، قال: حدّثنی سعد بن عبد اللہ قال: حدّثنی عباد بن سلیمان [عن محمد بن سلیمان، عن أبيه عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت: جعلت فداك «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۱).**

قال: فقال: من أكرمه الله بولايتنا فقد جاز العقبة و نحن تلك العقبة، من اقتحمها نجا. قال: فسكت، ثم قال: هلّا افيدك حرفاً خيراً فيها من الدنيا و ما فيها؟

قال: قلت: بلى، جعلت فداك.

قال: قوله تعالى: «فَكُ رَقَبَةً» (۲) الناس كلّهم عبيد النار غيرك و أصحابك فإنّ الله عزّوجلّ فكّ رقابكم من النار بولايتنا أهل البيت (۳).

ص: ۵۲

۱- ۳۵. سوره البلد: ۱۱.

۲- ۳۶. سوره البلد: ۱۳.

۳- ۳۷. عنه البحار: ۶۸/۱۴۳ ح ۹۰. الكافي: ۱/۴۳۰ ح ۸۸.

ابان بن تَغْلِب گفت: به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم معنی این آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۱)؛ «به عقبه تکلیف تن در نداد» چیست؟.

فرمود: کسی که خداوند ولایت ما را به او کرامت فرماید، از عقبه می گذرد و ما آن عقبه هستیم که هر کس از آن بگذرد، نجات می یابد. پس مکثی کرد و سپس فرمود: آیا سخنی به تو بگویم که خیری در آن باشد و از دنیا و هرچه در آن هست، بهتر باشد؟

عرض کرد: بله، فدایت شوم.

فرمود: فرموده خداوند تعالی «فَكُّ رَقَبَةٍ» (۲)، «آزاد کردن بندگان» تمام مردم اسیر آتش اند، غیر از تو و یارانت که خداوند جلّ جلاله گردن های شما را از زنجیرهای آتشین دوزخ به خاطر دوستی ما اهل بیت عصمت، نجات داده است.

### حدیث شماره بیستم

۲۰. و بهذا الاسناد عن سليمان الديلمي، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: أنا الراعي، راعي الأنام، أفتري الراعي لا يعرف غنمه؟

قال: فقام اليه جويره و قال: يا أمير المؤمنين فمن غنمك؟

ص: ۵۳

---

۱- ۳۸. سوره بلد: ۱۱ و ۱۳.

۲- ۳۹. سوره بلد: ۱۱.

قال: صفر الوجوه، ذبل الشفاه من ذكر الله. (١)

اميرالمومنين عليه السلام فرمود:

من چوپان مردم هستم. آیا فکر می کنی چوپان گله خود را نمی شناسد؟

جویریه عرض کرد: یا امیرالمومنین! گله تو چه کسانی هستند؟

فرمود: کسانی که از بسیار یاد کردن خداوند، چهره های زرد و لب های خشکیده دارند.

### حدیث شماره بیست و یکم

٢١. و بهذا الاسناد عن سليمان، عن عثمان بن أسلم عن معاوية الدهني، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك هذا الحديث الذي سمعته منك ما تفسيره؟

قال: و ما هو؟ قلت: «إن المؤمن ينظر بنور الله».

فقال: يا معاوية إن الله خلق المؤمنين من نوره و صنعهم من رحمته و اتخذ ميثاقهم لنا في الولاية على معرفته، يوم عرفهم نفسه، فالمؤمن أخوالمؤمن لأبيه و أمه أبوه النور و أمه الرحمه، أنما ينظر بذلك النور الذي خلق منه. (٢)

ص: ٥٤

---

١- ٤٠. عنه البحار: ٦٨/١٧٦، ح ٣٢؛ الوسائل: ٤/١١٨٤، ح ١٢؛ العوالم: ٤٢/٦١٦، ح ١.

٢- ٤١. بصائر الدرجات: ٨٠ ح ٢، عنه البحار: ٦٧/٧٤ ح ٢ و العوالم: ٤٢/٣٥٩ ح ٢ و ص ٣٧٦ ح ٢.



معاویه دُهنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم! تفسیر این حدیثی که از شما شنیدم، چیست؟

فرمود: آن حدیث کدام است؟

عرض کردم: مومن به نور خدا، نگاه می کند.

فرمود: ای معاویه! خداوند مؤمنین را از نور خودش آفرید و از رحمت خود، آنان را ساخت و از آنها برای ولایت ما عهد و پیمان گرفت بر پایه شناسایی خودش، روزی که خود را به آنها شناسانید، مومن برادر مومن از یک پدر و مادر است، پدرش نور و مادرش رحمت است. مومن به این نوری که از آن آفریده شده، نگاه می کند.

### حدیث شماره بیست و دوم

۲۲. و بهذا الاسناد عن سليمان، عن داود بن كثير الرقي، قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: جعلت فداك، قوله تعالى: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۱)» فما هذا الهدى بعد التوبة و الايمان و العمل الصالح؟

قال: فقال: معرفه الأئمة و الله امام [بعد امام (۲)].

ص: ۵۵

۱- ۴۲. سوره طه: ۸۲.

۲- ۴۳. عنه البحار: ۲۷/۱۹۸ ح ۶۴، اثبات الهداه: ۱/۲۳۷ ح ۱۹۴. شواهد التنزيل: ۱/۳۷۵ ح ۵۱۹، البرهان: ۳/۴۰ ح ۱۱، العوالم: ۱۲/۱۴۹ ح ۶۶، احقاق الحق: ۱۴/۵۵۸.

داوود بن کثیر رقی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم:

فدایت شوم! خداوند متعال فرموده است:

«وَأَنْتَى لَغَفَّارٍ لِمَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى؛ «و من کسی را که توبه کند و ایمان آورد و اعمال شایسته به جا آورد و سپس هدایت یابد را می آمرزم.»

معنی این هدایت آخرین، بعد از توبه و ایمان و عمل صالح چیست؟

فرمود: قسم به خدا معرفت ائمه است، امامی پس از امام دیگر.

### حدیث شماره بیست و سوم

۲۳. ابی رحمه الله، قال: حدّثنی سعد بن عبداللّٰه، عن عباد بن سلیمان، عن سدیر الصیرفی، عن ابی عبداللّٰه علیه السلام قال: دخلت علیه و عنده ابوبصیر و میسرہ و عدہ من جلسائہ، فلما أن أخذت مجلسی أقبل علی بوجهه و قال:

یا سدیر، أما أنّ ولینا لیعبد اللّٰه قائماً و قاعداً و نائماً و حیاً و میتاً. قال: قلت: جعلت فداک اما عبادتہ قائماً و قاعداً و حیاً فقد عرفنا فکیف یعبد اللّٰه نائماً و میتاً؟

قال: إنّ ولینا لیضع رأسه فیرقد، فاذا کان وقت الصلاه و کّل به ملکین خلقا فی الأرض لم یصعدا الی السماء و لم یریا ملکوتها فیصلیان عنده حتّٰی ینتبه فیکتب اللّٰه ثواب صلاتهما له و الرکعه من صلاتهما تعدل ألف صلاه من صلاه الادمیین.

و انّ ولينا ليقبضه الله اليه، فيصعد ملكاه الى السماء فيقولان:

يا ربنا عبدك (فلان بن فلان) انقطع و استوفى أجله و لأنت أعلم منا بذلك فائذن لنا نعبدك في آفاق سمائك و أطراف أرضك.

قال: فيوحى الله اليهما: انّ في سمائي لمن يعبدني و مالي في عبادته من حاجه بل هو أحوج اليها و انّ في أرضي لمن يعبدني حقّ عبادتي و ما خلقت خلقاً أحوج الي منه، [فاهبطا الي قبر وليي . فيقولان: يا ربنا من هذا يسعد بحبّك اياه؟

قال: فيوحى الله اليهما: ذلك من أخذ ميثاقه بمحمّد عبدى و وصيه و ذريتهما بالولاية، اهبطا الي قبر وليي (فلان بن فلان)، فصليا عنده الي أن أبعثه في القيامة.

قال: فيهبط الملكان، فيصليان عند القبر الي أن يبعثه الله فيكتب ثواب صلاتهما له و الركعه من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين.

قال سدیر: جعلت فداك يا بن رسول الله فأذن وليكم نائماً و ميتاً أعبد منه حياً و قائماً؟ قال: فقال:

هيهات يا سدیر انّ ولينا ليؤمن على الله عزّوجلّ يوم القيامة فيجيز أمانه. (1)

سُدیر صیرفی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، در حالی که ابوبصیر و میسره و عدّه ای از یارانش نزد او بودند، هنگامی که نشستیم، رو به

ص: ۵۷

---

۱- ۴۴. عنه البحار: ۵/۳۲۷ ح ۲۳ و ج ۶۸/۶۷ ح ۱۲۱ و اثبات الهداه: ۲/۴۵۳ ح ۳۵۵ و البرهان: ۴/۲۲۲ ح ۲۱، ۴۲/۵۷۴ ح ۱.

من کرد و فرمود:

ای سدیر! دوست ما در حال ایستاده، نشسته، خوابیده، بیداری، زنده بودن و مرگش، خدا را پرستش می کند.

عرض کردم: فدای تو شوم! بندگی در حال ایستاده، نشسته و زنده بودن را شناختم ولی پروردگار در خواب و مرگ چگونه عبادت می شود؟

فرمود: هنگامی که دوست ما سر خود را بر زمین می گذارد و می خوابد، در هنگام نمازش دو فرشته که در زمین خلق شده اند و به آسمان نرفته اند و ملکوت آسمان ها را ندیده اند، موکل می شوند که در نزد او نماز بخوانند، تا زمانی که بیدار شود خداوند متعال ثواب نماز این دو فرشته را برای او می نویسد، در حالی که یک رکعت نماز آن دو، برابر هزار نمازی است که آدمیان به جای می آورند.

دوستی از دوستان ما را قبض روح می کنند، آن دو فرشته به آسمان بالا می روند و به خداوند می گویند خدایا! بنده تو، فلانی، مرده است و تو خود این خبر را بهتر می دانی. به ما اجازه بده که تو را در آسمان و زمین نیایش کنیم.

وحی می آید که: چه کسی می تواند در آسمانم، مرا آن طور که شایسته است، عبادت کند، در حالی که من به نیایش او نیازی ندارم، بلکه اوست که نیازمند آن است. و چه کسی در زمین است که مرا به

ص: ۵۸

شایستگی بندگی نماید، در حالی که آفریده ای از او نیازمندتر به خود، نیافریده ام.

فرشتگان عرض می کنند: پس چه کسی به وسیله محبت تو خوشبخت می شود؟

وحی می رسد: کسی که از او اقرار و پیمان به نبوت بنده من محمدصلی الله علیه و آله و ولایت و دوستی جانشین او و فرزندان پاکش گرفته شده است. به قبر دوست من، فلانی بروید و تا زمانی که از خاک برانگیخته شود، نزد او بمانید و نماز بخوانید.

سپس امام علیه السلام فرمود: آن دو فرشته پایین آمده و نزد قبر او می روند و به نیایش پروردگار مشغول می شوند، تا روز قیامت فرا رسد و مزد نمازهای آن دو را برای او می نویسند، که هر رکعت نمازشان برابر هزار آدمیان است.

سدیر عرض کرد: فدای تو شوم! بنابراین دوست شما که خواب و مرده است، از دوستی که بیدار و زنده است، عابدتر می باشد.

فرمود: هیهات، ای سدیر! دوست ما در روز قیامت برای دیگران امان از آتش دوزخ می طلبد و به او اجازه شفاعت و امان داده می شود.

### حدیث شماره بیست و چهارم

۲۴. و بهذا الاسناد، عن سدیر، قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: جعلت فداك

ص: ۵۹

يابن رسول الله هل يكره المومن على قبض روحه؟ قال: لا [والله انه اذا اتاه ملك الموت ليقبض روحه جزع عند ذلك، فيقول له ملك الموت: يا ولي الله لا تجزع فوالذي بعث محمداً صلى الله عليه وآله بالحق لانا أبر بك و أشفق عليك من الوالد الرحيم لولده حين يحضره، افتح عينيك و انظر. قال: و يمثل له رسول الله صلى الله عليه وآله و أميرالمومنين و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمّهعليهم السلام [فيقول له: هم رفقاوك.

قال: فيفتح عينيه و ينظر و تنادى روحه من قبل العرش: «يا أيتها النفس المطمئنه ارجعي الى محمّد و أهل بيته الى ربك راضيه بالولايه، مرضيه بالثواب فادخلي في عبادي - يعنى محمداً و أهل بيته - و ادخلي جنتي».

قال: فما من شيء أحب اليه من انسلال روحه و اللّحوق بالمنادى. (1)

سدیر گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مومن از قبض روحش ناراحت می شود؟

فرمود: نه؛ هنگامی که فرشته مرگ برای گرفتن جاننش می آید، او ناله می کند، فرشته مرگ به او می گوید: ای دوست خدا! ناله مکن، قسم به آن خدایی که محمّدصلى الله عليه وآله را به درستی برانگیخته، من از پدرِ دلسوز به پسرش، نسبت به تو دلسوزتر و نیکوکارترم. نگاه کن که چه می بینی؟

ص: ۶۰

---

۱- ۴۵. الکافی: ۳/۱۲۷ ح ۲، عنه البحار: ۶/۱۹۶ ح ۴۹ و ج ۶۱/۴۸ ح ۲۴، تأویل الايات: ۲/۷۹۷ ح ۹، عنه البحار: ۲۴/۹۴ ح ۷، البرهان: ۴/۴۶۰ ح ۲، العوالم: ۳۹/۶۹ ح ۴۲ و ج ۴۲/۴۱۱ ح ۲.

در برابر چشمانش پیغمبر خدا، امیرالمومنین، فاطمه، حسن، حسین و ائمه ی اطهار علیهم السلام ظاهر می شوند.

به او می گویند: اینان دوستان تو هستند. چشمان خود را باز می کند و به آنها نگاه می کند. و از عرش به روح می گویند: ای نفس مطمئن به محمد و خاندان محمد! به سوی پروردگارت باز گرد که تو خشنود به ولایت هستی و خداوند نیز رضایت خود را با ثواب دادن ابراز می کند، پس در میان بندگانم - یعنی محمد و خاندانش - و در بهشت داخل شو. در چنین حالی هیچ چیزی نزد او محبوب تر از این نیست که جانش از بدنش جدا شده و به ندا کننده بیبوندند.

### حدیث شماره بیست و پنجم

۲۵. أبی رحمه الله قال: حدّثنی سعد بن عبد الله [باسناد یرفعه] عن معاویه ابن عمّار، عن جعفر بن محمد، عن أبیه، عن حیده علیهم السلام قال:

قال رسول الله صلی الله علیه وآله: اذا كان يوم القيامة یوتی بأقوام علی منابر من نور تتلأأ وجوههم کالقمر لیله البدر، یغبطهم الأولون و الآخرون.

ثم: سکت، ثم أعاد الکلام ثلاثاً.

فقال عمر بن الخطاب: بأبی أنت و أمی هم الشهداء؟ قال: هم الشهداء و لیس هم الشهداء الذین تظنون.

قال: هم الأنبياء؟ [قال: هم الأنبياء و لیس هم الأنبياء الذین تظنون

قال: هم الأوصياء؟ قال: هم الأوصياء و ليس هم الأوصياء الذين تظنون.

قال: فمن أهل السماء أو من أهل الأرض؟ قال: هم من أهل الأرض.

قال: فاخبرني من هم؟

قال: فأوماً بيده الى علي عليه السلام فقال:

هذا و شيعته، ما يبغضه من قريش الأ سفاحي و لا من الأنصار الأ يهودي و لا من العرب الأ دعى و لا من سائر الناس الأ شقى، يا عمر! كذب من زعم أنه يحبني و يبغض علياً. (١)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، عدّه ای بر منبرهایی از نور می آیند که صورت آنان همانند ماه شب چهارده می درخشد و اولین و آخرین مردم، به آنها حسرت می ورزند. از سخن باز ایستاد و سپس این جملات را سه بار تکرار کرد.

عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، این افراد شهدا هستند؟

فرمود: شهدا هستند ولی نه آن شهدایی که شما خیال می کنید!

عرض کرد: انبیا هستند فرمود: انبیا هستند ولی نه آن انبیایی که شما خیال می کنید.

عرض کرد: جانشینان پیامبران هستند؟

ص: ۶۲

---

۱- ۴۶. عنه البحار: ۷/۱۷۹ ح ۱۸ (قطعه) و ج ۶۸/۶۸ ح ۱۲۲، مشکاه الانوار: ۹۷، البرهان: ۴/۲۹۳ ح ۱۳، العوالم: ۴۱/۱۰۵ ح ۲۸.



فرمود: اوصیایند ولی نه آن جانشینانی که در خاطر خود می گذرانید!

عرض کرد: آسمانی یا زمینی هستند؟

فرمود: زمینی اند.

عرض کرد: اینان چه کسانی هستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله با دستش به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: او و شیعیانش هستند. از قریش، جز کسی که حرام زاده باشد و از نژاد و مذاهب دیگر، جز یهودی و از عرب، جز مشکوک در نسب و از دیگر مردمان، جز بدبخت، کسی دشمن او نیست.

ای عمر! دروغ می گوید کسی که گمان می کند، مرا دوست دارد، در حالی که با علی دشمن است.

### حدیث شماره بیست و ششم

۲۶. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصفّار [باسناد یرفعه عن محمّد بن قیس بن عامر بن السمط، عن أبي جعفر علیه السلام قال:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یأتی یوم القیامه قوم علیهم ثیاب من نور، علی وجوههم نور یرفون بآثار السجود، یتخطّون صفّاً بعد صفّ حتّی یصیروا بین یدی ربّ العالمین یغبطهم النبیون و الملائکه و الشهداء و الصالحون.

ص: ۶۳

فقال له عمر بن الخطاب: من هؤلاء يا رسول الله الذين يغطهم النبيون و الملائكة و الشهداء و الصالحون؟ قال: اولئك شيعتنا و على امامهم. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در روز قیامت گروهی که لباس هایی از نور به تن دارند و چهره ای نورانی دارند وارد صحرای محشر می شوند. از جای سجودشان شناخته می شوند. صفوف را می شکافند و به جلو می آیند تا در صف اول در برابر خداوند قرار می گیرند. پیغمبران و فرشتگان و شهداء و نیکوکاران به حال آنان غبطه می خورند.

عمر بن خطاب گفت: اینها چه کسانی هستند؟

فرمود: این افراد پیروان ما می باشند؛ که علی علیه السلام پیشرو آنان است.

### حدیث شماره بیست و هفتم

۲۷. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصفّار [عن محمّد بن الحسين، عن عبد الله بن جبلة] عن معاوية ابن عمّار، عن أبي عبد الله عليه السلام، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي: يا علي لقد مثلت الى امّتي في الطين حتّى رأيت صغيرهم و كبيرهم أرواحا قبل أن يخلق أجسادهم و أنّي مررت بك و بشيعتك فاستغفرت لكم. فقال علي: يا نبي الله زدني فيهم. قال: نعم، يا

ص: ۶۴

علی تخرج أنت و شيعتك من قبوركم و وجوهكم كالقمر ليله البدر و قد فرجت عنكم الشدائد و ذهبت عنكم الأحزان، تستظلون تحت العرش، تخاف الناس و لا تخافون و تحزن الناس و لا تحزنون و توضع لكم مائدة و الناس في المحاسبه. (۱)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی علیه السلام! امت من در عالم طینت، در مقابل من ظاهر شدند، تا اینکه کوچک و بزرگ آنها را دیدم. آنها، ارواحی بودند، قبل از آنکه بدن هایشان آفریده شود و من به نزد تو و شیعیانت رسیدم و برایتان طلب آمرزش کردم.

علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! بیشتر بفرما.

فرمود: ای علی! تو و شیعیانت، با چهره هایی همچون ماه تابان بیرون می آید و سختی ها بر شما هموار می شود و بدون هراس و ترسی در زیر سایه عرش خداوند آرام می گیرید، در حالی که مردم هراسناک هستند و شما نمی ترسید و مردم ناراحت هستند و شما ناراحتی ندارید و شما بر سر سفره خداوند هستید و مردم گرفتار حسابرسی می باشند.

ص: ۶۵

---

۱- ۴۸. عنه البحار، ۷/۱۸۰ ح ۲۰ و عنه البحار: ۶۸/۲۷ ح ۵۰ و عن بصائر الدرجات: ۸۴ ح ۵. أعلام الدین: ۲۸۲، العوالم:

۴۲/۴۷۹ ح ۱.

٢٨. أبى رحمه الله، قال: حدّثنا [أحمد بن ادريس: قال: حدّثنا يعقوب بن يزيد عن محمّد بن أبى عمير] عن محمّد القبطى قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: الناس أغفلوا قول رسول الله صلى الله عليه وآله فى على عليه السلام يوم غدير خم، كما أغفلوا قوله يوم مشربه امّ ابراهيم، أتى الناس يعودونه فجاء على عليه السلام ليدنو من رسول الله صلى الله عليه وآله فلم يجد مكاناً، فلمّا رأى رسول الله صلى الله عليه وآله أنهم لا يفرّجون لعلّى عليه السلام قال:

يا معشر الناس هؤلاء أهل بيتى تستخفون بهم و أنا حى بين ظهرا نيكم؟! أما و الله لئن غبت فإنّ الله لا يغيب عنكم، إنّ الروح والراحه والرضوان والبشرى والحبّ والمحبه لمن اتّمّ بعلّى و تولّاه و سلّم له و للاوصياء من بعده، حقّ على أن ادخلهم فى شفاعتى لأنّهم أتباعى، فمن تبعنى فأنه منّى، مثل جرى فى من ابراهيم لأنّى من ابراهيم و ابراهيم منّى و دينى دينه و سنّتى سنّته و فضله فضلى و أنا أفضل منه و فضلى له فضل تصديق قول ربّى: «ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (١)

و كان رسول الله صلى الله عليه وآله قد أثبت رجله فى مشربه امّ ابراهيم حين عاده الناس. (٢)

ص: ٦٦

١- ٤٩. سورة آل عمران: ٣٤.

٢- ٥٠. عنه البحار: ٢٣/١٥٤ ملحق ح ١١٨. بصائر الدرجات: ٥٣ ح ١، عنه البحار: ٣٦/٢٤٨ ح ٥٦. أمالى الصدوق: ٩٨ ح ١٠، عنه البحار: ٣٨/٩٥ ح ١٢. بشار المصطفى: ٢٤. اثبات الهداه: ٢/٤٢١ ح ٢٨٥ و ص ٤٥٦ ح ٣٥٩. العوالم: ٤٨/٣٤٠ ح ١

محمّد قبطی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره علی علیه السلام در روز غدیر خم فراموش کردند، همان طور که سخنان او را در روز مشربه امّ ابراهیم فراموش کردند. هنگامی که علی علیه السلام نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد ولی مردم به او جایی ندادند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله این صحنه را مشاهده نمود، فرمود: ای مردم! اینان اهل بیت من هستند. آنها را سبک می شمارید، در حالی که من زنده و در میان شما هستم؟ به خدا قسم! اگر از شما پنهان شوم، خداوند از شما پنهان نخواهد ماند. روح، راحت، رضوان، بشارت و محبت برای کسی است که از علی علیه السلام پیروی کند و او را دوست داشته باشد و تسلیم او و جانشینانش باشد. بر من لازم است که آنها را شفاعت کنم، برای اینکه آنها پیروان من هستند و کسی که مرا پیروی کند، از من است، همان طور که درباره ابراهیم علیه السلام وارد شده؛ چون من از ابراهیم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام از من است و دین من، دین او و روش من، روش او و فضیلت او، فضیلت من است و من از او برترم و برتری من بر او به گواه فرمایش پروردگار است که می فرماید:

«ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «فرزندانی که بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری دارند و خداوند شنوای دانا است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی این مطلب را بیان داشتند که مردم در مشربه امّ ابراهیم، به خاطر درد پاهای ایشان به عیادت آمده بودند.

## حدیث شماره بیست و نهم

۲۹. أبی رحمہ اللہ، قال: حدّثنا سعد بن عبد اللہ [باسناد یرفعہ عن أبی داود الأعمی، عن أبی عبد اللہ الجدلی قال:

قال علی علیہ السلام یا أبا عبد اللہ ألا حدّثک بالحسنہ التي من جاء بها أمن من فرع یوم القیامہ والسیئہ التي من جاء بها أکبه اللہ علی وجهہ فی النار؟ قال: قلت: بلی. قال: الحسنہ حَبْنَا والسیئہ بغضنا. (۱)

ابو عبد اللہ جدلی گفت: امام علی علیہ السلام به من فرمود:

ای ابو عبد اللہ! آیا می خواهی کار نیکی را به تو خبر دهم که اگر کسی به آن دست یابد، از ترس و هراس روز قیامت در امان می ماند و عمل بدی را به تو خبر دهم که اگر با آن انس گیرد، خداوند او را با صورت در آتش می اندازد؟

عرض کردم: بلی.

فرمود: آن نیکی: محبت ما و آن بدی: دشمنی ما است.

## حدیث شماره سی ام

۳۰. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی، عن عاصم بن حمید، عن [أبی] اسحاق النحوی قال: سمعت أبا عبد اللہ علیہ السلام یقول:

ص: ۶۸

إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ فَقَالَ: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (١) ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ: «وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (٢)

وَقَالَ: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (٣) وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَّضَ إِلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَاتَّمَنَّهُ فَسَلَّمْتُمْ وَجَحَدَ النَّاسُ، فَوَاللَّهِ لِنَجْبَتِكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَتَصَمْتُوا إِذَا صَمَمْنَا وَنَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ وَاللَّهُ مَا جَعَلَ لِأَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ فِي خِلَافٍ أَمْرِهِ. (٤)

اسحاق نحوی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند به رسولش آداب محبت، را آموخت و سپس فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ «تو اخلاق برجسته ای داری.»

سپس امور دینش را به او سپرد و فرمود: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ «آنچه را پیغمبر برای شما آورد، بگیریید و عمل کنید و آنچه را که شما را از آن بازداشت، عمل نکنید.»

و فرمود:

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ «آن کس که پیغمبر را فرمان برد، خدا را فرمان برده است.»

ص: ٦٩

١- ٥٢. سوره القلم، ٤.

٢- ٥٣. سوره الحشر، ٧.

٣- ٥٤. سوره النساء: ٨٠.

٤- ٥٥. سوره المحاسن: ١/١٦٢، عنه البحار: ٢/٩٥ ح ٣٧، الکافی: ١/٢٦٥، عنه البحار: ١٧/٣ ح ١، بصائر الدرجات: ٣٨٤ ح ٤ و

ص ٣٨٥ ح ٧، عنه البحار: ٢٥/٣٣٤ ح ١٣ الوسائل: ١٨/٥٠ ح ٣٢، البرهان: ٤/٣١٤ ح ١، العوالم: ٤٩/١٣٨ ح ١.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بعد از خود این امر را به علی علیه السلام واگذار نمود و او را امین دانست و شما شیعیان به او سر فرود آورید ولی دیگر مردمان قبول نکردند. به خدا قسم! شما را دوست دارم، زیرا می گوئید زمانی که ما گفتیم و سکوت می کنید زمانی که ما سکوت کردیم بین شما و خدای شما گواهیم. به خدا سوگند، برای هیچ کسی در مخالفت از دستورات علی علیه السلام، خیر و خوبی قرار داده نشده است.

### حدیث شماره سی و یکم

۳۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

انّ ذنوب المومنین مغفوره لهم فليعمل المومن لما يستأنف، أما أنّها ليست الا لأهل الايمان. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود:

گناهان مومنان بخشیده می شود و مومن پس از آن همانند کسی است که تازه شروع به کار کرده و روشن است که این بخشش الهی، مخصوص اهل ایمان است.

ص: ۷۰



## حدیث شماره سی و دوم

۳۲. و بهذا الاسناد، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

ان الله عزّ وجلّ يعطى الدنيا من يحبّ و يبغض و لا يعطى الآخرة الا من أحبّ و انّ المؤمن ليسأل ربّه موضع سوط من الدنيا فلا يعطيه و يسأله الآخرة فيعطيه ماشاء و يعطى الكافر من الدنيا قبل أن يسأله ما شاء و يسأله موضع سوط فى الآخرة فلا يعطيه اياه. (۱)

امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند، دنیا را به دوست و دشمن خود داد ولی بهشت را فقط برای دوستان خود اختصاص داد. مومن از خداوند به اندازه تازیانہ ای از دنیا درخواست می کند، پس به او نمی دهد ولی از آخرت، هر چقدر که درخواست کند، به او می دهد. و دنیا بدون درخواست کافران به آنان داده می شود ولی هنگامی که از خداوند می خواهند که عذاب آخرت را از آنها دور کنند، جوابی نمی شنوند.

## حدیث شماره سی و سوم

۳۳. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن محمّد بن الفضل، عن أبي حمزه، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

أنتم للجنّة و الجنّة لكم، أسماوكم عندنا الصالحون و المصلحون و أنتم

ص: ۷۱

---

۱- ۵۷. عنه البحار: ۹۳/۳۶۸ ح ۲.

أهل الرضا عن الله برضاه عنكم و الملائكة اخوانكم في الخير اذا اجتهدوا. (۱)

امام صادق عليه السلام فرمود:

شما و بهشت برای یکدیگر آفریده شده اید. شما به نیکوکاران و اصلاح کنندگان نامیده می شوید شما از خداوند خشنود خواهید شد به سبب رضایت خدا از شما و اگر در انجام اعمال نیک تلاش کنید، ملائکه برادران شما هستند.

### حدیث شماره سی و چهارم

۳۴. و بهذا الاسناد قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

دياركم لكم جنّه و قبوركم لكم جنّه، للجنّه خلقتم و الى الجنّه تصيرون. (۲)

امام صادق عليه السلام فرمود:

شهرها و قبرهای شما برایتان بهشت است. شما برای بهشت خلق شده اید و به آنجا هم خواهید رفت.

### حدیث شماره سی و پنجم

۳۵. و بهذا الاسناد قال: سمعته يقول:

ص: ۷۲

---

۱- ۵۸. عنه البحار: ۶۸/۱۴۴ ذح ۹۰ و العوالم: ۴۲/۴۶۰ ح ۲ و ص ۴۸۴ ح ۱.

۲- ۵۹. عنه البحار: ۸/۳۶۰ ح ۲۶ و ج ۶۸/۱۴۴ ذح ۹۰ و العوالم: ۴۱/۴۴۰ ح ۲۷ و ج ۴۲/۴۵۷ ح ۲۰.

إذا قام المؤمن في الصلاة، بعث الله الحور العين حتى يحدقن به، فإذا انصرف و لم يسأل الله منهن شيئاً تفرقن و هنّ متعجبات. (۱)

امام صادق عليه السلام فرمود:

زمانی که مؤمن نماز می خواند، خداوند متعال حورالعين را می فرستد که اطراف او باشند و هنگامی که مؤمن نماز را تمام نمود و آنها را از خداوند متعال درخواست نکرد، آنها با تعجب از دور او پراکنده می شوند.

### حدیث شماره سی و ششم

۳۶. حدّثنی [محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید، عن [محمّد بن الحسن الصفار] عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحسن بن علي النعمان عن الحارث بن محمد الأحول، عن أبي عبد الله عليه السلام عن) أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول:

انّ رسول الله صلى الله عليه وآله لما اسرى به قال لعلي عليه السلام:

يا علي انّی رأیت فی الجنّه نهراً أبيض من اللّبن و أحلى من العسل و أشدّ استقامه: من السهم، فيه أباريق عدد نجوم السماء، على شاطئه قباب الياقوت الأحمر و الدر الأبيض، ف ضرب جبرئيل بجناحه الى جانبه، فاذا هو

ص: ۷۳

مسك أذفر، ثم قال:

و الذي نفس محمد بيده ان في الجنة لشجراً يتصفق بالتسبيح بصوت لم يسمع الأولون و الآخرون بأحسن منه، يثمر ثمراً كالرمان و تلقى الثمره على الرجل فيشقها عن تسعين حلّه و المومنون على كراسي من نور و هم العر المحجلون، أنت قائدهم يوم القيامة، على الرجل منهم نعلان شراكهما من نور يضيء أمامه حيث شاء من الجنة. فبيناهو كذلك اذ أشرفت عليه امرأه من فوقه تقول: سبحان الله يا عبدالله أما لك فينا دوله؟

فيقول: من أنت؟ فتقول: أنا من اللواتي قال الله عزوجل: «فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره أعين جزاءً بما كانوا يعملون»(١)

ثم قال: و الذي نفس محمد بيده انه ليجيئه كل يوم سبعون ألف ملك يسمونه باسمه و اسم أبيه.(٢)

رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از معراج به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! در بهشت نهري را دیدم که از شیر، سفیدتر و از عسل، شیرین تر و از تیر، فرو رونده تر بود. به تعداد ستارگان آسمان ها، کاسه هایی در آن بود و در کنار آن گنبدهایی از یاقوت قرمز و دُر سفید گذاشته بودند. جبرئیل با بالش به کنار او زد و آن مشک خوشبو بود.

ص: ٧٤

١- ٦١. سورة السجده: ١٧.

٢- ٦٢. المحاسن: ١/١٨٠ ح ١٧٢، تأویل الايات: ١٥٨ ح ١، البحار: ٨/١٣٨ ح ٥، البرهان: ٣/٢٨٥ ح ٧.

سپس فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست او است، در بهشت درختی است که برگ هایش تسبیح می گویند که اولین و آخرین خلائق، صدایی به خوبی و خوشی آن نشنیده اند. میوه ای همانند انار می دهد که چون آن می افتد و مومن می شکافدش، به نود پرده تقسیم می شود.

مومنین بر تخت هایی از نور نشسته اند و از دست و پیشانی آنان نور می تابد و تو پیشوای آنان هستی. بر پای آنها کفش هایی است که بندهای آن از نور است و جلوی خود را از بهشت تا آنجا که بخواهد، ببیند، روشن می کند. در این حال زنی از بالا به او گوید: پاک است خدا. ای بنده خدا! خیر تو برای ما چیست؟

مؤمن گوید: تو کیستی؟

پاسخ دهد: از کنیزانی هستم که خداوند متعال پیرامون آنان فرموده:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «هیچ کس نمی داند، چه پاداش های مهمی که مایه روشنی چشم هاست، برای آنان پنهان است. این پاداش کارهایی است که انجام می دادند.»

سپس فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست او است، هر روز هفتاد هزار فرشته نزد او می آیند که او را به نام و نام پدرش می خوانند.

٣٧. حدّثنى محمّد بن موسى بن المتوكّل [باسناد يرفعه عن مالك بن الجهنى، عن أبى عبد الله عليه السلام قال: يا مالك أ ما ترضون أن تقيموا الصلاة و تودّوا الزكاه و تكفّوا أيديكم و تدخلوا الجنّة؟ ثمّ قال:

يا مالك أنّه ليس من قوم ائتمّوا بامام فى دار الدنيا الاّ جاء يوم القيامة يلعنهم و يلعنونه، الاّ أنتم و من كان بمثل حالكم، ثمّ قال:  
يا مالك من مات منكم على هذا الأمر شهيد بمنزله الضارب بسيفه فى سبيل الله.

قال: و قال مالك: بينما أنا عنده ذات يوم جالس و أنا احدّث نفسى بشىء من فضلهم، فقال لى: أنتم و الله شيعتنا لا تظنّ أنّك مفرط فى أمرنا.

يا مالك أنّه لا يقدر على صفه الله أحد، فكما لا يقدر على صفه الله فكذلك لا يقدر على صفه الرسول صلى الله عليه وآله و كما لا يقدر على صفه الرسول فكذلك لا يقدر على صفتنا و كذلك لا يقدر على صفه المومن.

يا مالك إنّ المومن ليلقى أخاه فيصافحه فلا يزال الله ينظر اليهما و الذنوب تتحاتّ عن وجوههما حتّى يتفرّقا و أنّه لا يقدر على صفه من هو هكذا.

و قال: إنّ أبى عليه السلام كان يقول: لن تطعم النار من يصف هذا الأمر. (١)

ص: ٧٦

---

١- ٦٣. عنه البحار: ٧/١٨٠ ح ٢١ (قطعه) و ج ٦٨/٦٨ ح ١٢٤ عن صفات الشيعة. الكافى: ٨/١٤٦ ح ١٢٢، تنبيه الخواطر: ٢/١٤٦، العوالم: ٤٢/٢٠٨ ح ٥ و ص ٤٧٦ ح ١.

مالک جُهَنی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای مالک! آیا نمی خواهید که نماز بخوانید و زکات بدهید و دست به حرام دراز نکنید و در عوض به بهشت بروید؟

ای مالک! هر گروهی که از رهبری در دنیا پیروی کنند، روز قیامت، رهبر و پیرو هر دو یکدیگر را لعن می کنند، جز شماها یا هر کس که مانند شما باشد.

ای مالک! کسی از شما که بر دوستی ما بمیرد، شهید است و مانند کسی است که در راه خدا جنگیده است.

مالک گفت: روزی نزد آن حضرت بودم و با خود حدیثی از فضایل آنها می گفتم، که به من فرمود:

به خدا قسم! شما شیعیان گمان نکنید که درباره ما افراط کردید.

ای مالک! کسی نمی تواند خداوند را آنطور که شایسته است، ستایش کند و همان طور که نمی تواند خدا را توصیف کند، از وصف کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله هم عاجز و ناتوان است و به همین صورت، ما را هم نمی تواند، توصیف کند و همچنین از تعریف مؤمن نیز درمانده و عاجز است.

ای مالک! مؤمن با برادر مؤمن خود برخورد می کند و مصافحه می نماید، در همان هنگام خداوند به آنها نظر می کند و گناهانشان را می ریزد، تا هنگامی که از یکدیگر جدا شوند. کسی توانایی ندارد چنین افرادی را آن طور که باید و شاید ستایش کند.

ص: ۷۷

پدرم می فرمود: آتش، کسی را که این امر را توصیف کند نمی سوزاند.

### حدیث شماره سی و هشتم

۳۸. حدّثنی محمّد بن علی ماجیلویه، عن عمّه محمّد بن أبی القاسم [باسناد یرفعه عن عمر بن أبان الکلبی قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما أكثر السواد؟! قال: قلت له: أجل یابن رسول الله ما أكثر السواد. فقال: أما والله ما یحجّ لله عزّو جلّ غیرکم و لا یصلّی الصلاتین غیرکم و لا یوتی أجره مرّتين غیرکم و انکم لدعاه الشمس و القمر و النجوم و لکم یغفر و منکم یتقبّل. (۱).

جعفر بن عمر کلبی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: چه قدر مردم زیادند!

عرض کردم: بلی، یابن رسول الله! چه قدر مردم زیادند!

فرمود: قسم به خدا! جز شما کسی برای خدا حج نکرد. و جز شما کسی آن دو نماز را به جا نیاورد و پاداش دو برابر نگرفت. شما داعیان و مبلغان آفتاب و ماه و ستارگانید، گناهان شما آمرزیده و اعمال نیکتان قبول می شود.

### حدیث شماره سی و نهم

۳۹. حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رحمه الله قال: حدّثنی الحسین ابن محمّد بن عامر [باسناد یرفعه عن الصباح بن سیابه، عن أبی عبد الله عليه السلام قال:

ص: ۷۸



انّ الرجل ليحبكم وما يدري ما تقولون، فيدخله الله الجنّة و انّ الرجل ليغضكم و ما يدري ما تقولون، فيدخله الله النّار وانّ الرجل ليملاً صحيفته من غير عمل.

قلت: فكيف؟ قال: يمرّ بالقوم ينالون منّا و اذا رأوه قال بعضهم لبعض: انّ هذا الرجل من شيعتهم و يمرّ بهم الرجل من شيعتنا فيرمونه و يقولون فيه فيكتب الله له بذلك حسنات حتّى يملا صحيفته من غير عمل. (1)

صباح بن سيابه گفت: امام صادق عليه السلام فرمود:

چه بسا کسی شما را در حالی که نمی داند، چه می گوید، دوست دارد و خدا او را داخل بهشت می کند و چه بسا مردی در حالی که نمی فهمد، چه می گوید، با شما دشمنی می کند و خداوند او را به آتش می برد و مردی هست که نامه عملش، بدون اینکه عمل نیکی انجام دهد، پُر می شود.

عرض کردم: چگونه چنین چیزی امکان دارد؟!

فرمود: فرد اوّل به گروهی از بدگویان ما برخورد می کند و هنگامی که او را می بینند، بعضی از آنها می گویند: این مرد از پیروان آنها است و فرد دوّم هنگامی که شیعه ما می گذرد، او را مورد تهمت قرار داده

ص: ۷۹

---

۱- ۶۵. عنه البحار: ۸/۳۶۰ و ج ۲۷/۱۳۶ ح ۱۳۶ و فی ج ۶۹/۲۴۶ ح ۲۱ عن الکافی: ۲/۱۲۶ ح ۱۰ (قطعه) و الکافی: ۸/۳۱۵ ح ۴۹۵. الوسائل: ۱۱/۴۳۹ ح ۱، العوالم: ۱۲/۱۳۵ ح ۱۷۲، ج ۴۱/۴۴۰ ح ۲۸ و ج ۴۲/۴۳۹ ح ۱.

و درباره او آنچه را که نباید بگوید، می گوید. پس خداوند توانا حسناتی در نامه اعمال این شیعه می نویسد، بدون اینکه عملی کرده باشد.

### حدیث شماره چهارم

۴۰. اَبی رَحْمَه الله قال: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ [بِاسْنَادٍ يَرْفَعُهُ عَنْ مَنْصُورِ الصَّقِيلِ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي فُسْطَاطِهِ بَمَنَى، فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ: يَا أَكْلُونَ الْحَرَامَ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرَامَ وَ يَنْكَحُونَ الْحَرَامَ. وَلَكِنْ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ الْحَلَائِلَ وَ تَلْبَسُونَ الْحَلَائِلَ وَ تَنْكَحُونَ الْحَلَائِلَ.

وَاللَّهِ مَا يَحِبُّ غَيْرَكُمْ وَ لَا يَتَقَبَّلُ إِلَّا مِنْكُمْ. (۱)

منصور صیقیل گفت: نزد امام صادق علیه السلام در منی بودیم، ایشان به مردم نظری افکند و فرمود:

آنها، حرام می خورند، حرام می پوشند و به حرام ازدواج می کنند ولی شما، حلال می خورید، حلال می پوشید و به حلال ازدواج می کنید. به خدا سوگند! جز شما کسی حج نیاورده و عملی غیر از عمل شما پذیرفته نمی شود.

### حدیث شماره چهارم و یکم

۴۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن عاصم بن حمید، عن عمر بن

ص: ۸۰

---

۱- ۶۶. عنه البحار: ۲۷/۱۹۹ ح ۶۵ و المستدرک: ۱/۲۳ ح ۵۳.

حفظه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا عمر إن الله يعطي الدنيا لمن يحبّ و يبغض و لا يعطي هذا الأمر إلا صفوته من خلقه، أنتم و الله على ديني و دين آبائي ابراهيم و اسماعيل، لا أعنى على بن الحسين و لا الباقر عليهم السلام و لو كان هولاء على دين هولاء. (١)

عمر بن حفصه گفت: امام صادق عليه السلام فرمود:

«ای عمر! خداوند، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ولی دوستی ما را فقط به منتخبان خلایقش می دهد. به خدا قسم! شما دین من و دین پدرانم ابراهیم و اسماعیل عليهم السلام را دارید و منظورم پدران نزدیکم مثل علی بن الحسین و محمد باقر عليهم السلام نیست، گرچه این ها هم بر دین آنها هستند، منظورم این است که شماها بر دین پدران گذشته ما از پیامبران هستید.»

### حدیث شماره چهل و دوم

۴۲. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی، عن علی بن عقبه، عن موسى النمیری، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجل، فقال:

يا رسول الله انى لا حبيك. فقال أنك لتجبنى؟

فقال: والله انى لا حبيك. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنت مع من أحببت. (٢)

ص: ۸۱

۱- ۶۷. أعلام الدين: ۲۷۵، عنه البحار: ۲۷/۱۲۲ ح ۱۰۷ و العوالم: ۴۲/۴۴۰ ح ۲.

۲- ۶۸. عنه البحار: ۲۷/۱۳۷ ح ۱۳۷ و العوالم: ۱۲/۱۲۰ ح ۷۲. أعلام الدين: ۲۷۵.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا! تو را دوست دارم. حضرت فرمود: آیا تو مرا دوست داری؟ عرض کرد: به خدا قسم که هر آینه تو را دوست دارم.

فرمود: تو با کسی که دوستش داری، خواهی بود.

### حدیث شماره چهل و سوم

۴۳. حدَّثنا مُحَمَّد بن علی بن ماجیلویه رحمه الله، قال: حدَّثنا مُحَمَّد بن یحیی [باسنادہ یرفعه] عن حنظلہ، عن میسر قال: سمعت أبا الحسن الرضا علیه السلام یقول:

لا یری منکم فی النار إثنان، لا واللہ و لا واحد. قال: فقلت:

أین ذلک من کتاب اللہ؟ فأمسک عنی سنه قال: فأنی معه ذات یوم فی الطواف اذ قال: لی یا میسر الیوم أذن لی فی جوابک عن مسألتک کذا. قال: قلت:

فأین هو من القرآن؟ فقال: فی سوره «الرحمن» و هو قول اللہ عزوجل: «فَیَوْمَئِذٍ لَّا یَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ - منکم - إنسٌ ولما حیآن» (۱)

فقلت له: لیس فیها «منکم»!

قال: إنَّ أوَّل من قد غیرها ابن أروی و ذلک أنَّها حجَّه علیہ و علی أصحابه.

ص: ۸۲

و لو لم يكن فيها «منكم» لسقط عقاب الله عزوجل عن خلقه.

اذا لم يسأل عن ذنبه انس و لا جان فلن يعاقب الله اذا يوم القيامة؟! (۱)

میسر گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

از شما، دو نفر هم در آتش دیده نمی شود. نه، به خدا قسم! یک نفر هم دیده نمی شود.

عرض کردم: این موضوع از کجای کتاب خدا است؟

به من پاسخ نداد تا اینکه روزی با او در طواف بودم. فرمود: ای میسر! اکنون پاسخ خویشتن را بشنو.

عرض کردم: در کجای کتاب خدا است؟

فرمود: در سوره الرحمن.

«فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لَّا جَانٌّ»؛ «پس در آن روز بر گناه آدمیان و جنیان پرسش نخواهد شد.»

عرض کردم: در آیه لفظ «منکم» نیست!

فرمود: اول کسی که او را تغییر داد، ابن اروی بود و آن برهانی بر ضد او و یارانش می باشد و اگر در آیه «منکم» نبود، عذاب خدا از آفریدگانش برداشته می شد. اگر از گناه تمام آدمیان و جنیان باز خواست نکند، پس خداوند در روز رستاخیر چه کسی را کیفر کند؟

ص: ۸۳

۴۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ [بِاسْنَادِهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ يَزِيدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ:

جَعَلْتَ فِدَاكَ، قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»؟ (۱)

قال: فقال لي: إذا أدخل الله أهل الجنة الجنة، أرسل رسولا الى ولي من أوليائه فيجد الحجة على بابه، فيقولون له: قف حتى نستأذن لك. فما يصل اليه رسول الله إلا باذن و هو قوله: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا». (۲)

عباس بن یزید گفت: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این فرموده خداوند «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»؛ «و چون بنگری، آنجا را کشوری پُر نعمت و بزرگ می بینی.» را تفسیر کن.

فرمود: هنگامی که خداوند بهشتیان را وارد کند، رسولی را نزد دوستی از دوستانش می فرستد، نگهبانانی آنجا هستند که به آن رسول می گویند: بیرون بایست، تا برایت اجازه بگیریم.

فرستاده خدا، جز با اجازه او وارد نخواهد شد و این است فرمایش

ص: ۸۴

۱- ۷۱. سورة الدهر: ۲۰.

۲- ۷۲. عنه البحار: ۸/۱۹۷ ح ۱۸۸، معانی الاخبار: ۲۱۰ ح ۱، البرهان: ۴/۴۱۵ ح ۲.

خدای بزرگ: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (۱)

### حدیث شماره چهل و پنجم

۴۵. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعِيصِ، رَفَعَهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

إذا كان يوم القيامة نشفع في المذنبين من شيعتنا، فأما المحسنون فقد نجاهم الله. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گناهکاران و شیعیان را شفاعت می کنیم ولی نیکوکاران را خداوند نجات می دهد.

ص: ۸۵

---

۱- ۷۳. سوره انسان، آیه ۲۰.

۲- ۷۴. عنه البحار: ۸/۵۹ ح ۷۷.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

